

Mountain Houses of Kashan; Study on the Architecture and Spatial Structure of the Residential Samples in the Muşallā Neighborhood of Barzok

Hamidreza Jayhani^{1*}, Reyhaneh Rahimzade Barzoki², Fatemeh Mirzaie Barzoki³

1. Associate Professor, Department of Architecture, School of Architecture and Art, University of Kashan, Kashan, Iran
2. MA Student in Iranian Architecture Studies, School of Architecture, The College of Fine Arts, University of Tehran, Tehran, Iran
3. MA Student in Conservation and Revitalization of Historical Building and Fabrics, School of Architecture and Urban Planning, University of Shahid Beheshti, Tehran, Iran

Article Info

Original Article

Received: 2020/09/30;

Accepted: 2021/03/14;

Published Online: 2021/06/10

 10.30699/athar.41.3.280

Use your device to scan
and read the article online



Corresponding Author

Hamidreza Jayhani

Associate Professor, Department of Architecture, School of Architecture and Art, University of Kashan, Kashan, Iran

Email:

jayhani@kashanu.ac.ir

ABSTRACT

The transformation of the construction mode and structural change in houses' physical characteristics in the past decade has changed the overall shape and, thus, Barzok's townscape. Barzok is a mountainous habitat in the South West of the city of Kashan. In the early 2000th in the country divisions, it became a town; although it retains its rural figures, it has not been immune from changes. The new town's landscape does not harmonize with the region's natural landscape, identity, or culture. To avoid changing the authentic rural landscape, we first need to understand the original samples available and, most importantly, the historic houses. Barzok consists of seven neighborhoods; in Mosalla neighborhood and Qal'eh hill's edges as the oldest residential nucleus of Barzok, examples remain. The current article aims to answer the question what the characteristics of the houses in the mentioned area are and what kind of organization they have. This research has been done based on the interpretive - historical method. Based on the field studies, sample documentation was done, and part of the information was collected based on interviews with local informants. In addition to documentation and the introduction of some selected samples and explanation of their spatial organization, the results showed that the neighborhood's houses are very similar to each other in terms of materials and method of construction and the formation and development. As a result, there is a natural harmony between the town's landscape and the natural context and environment. Besides, residential units' spaces are placed in general compositions that play a wide role in the coordination, as mentioned earlier.

Keywords: House, Spatial organization, Barzok, Mosalla neighborhood, Qal'eh hill

Copyright © 2020. This open-access journal is published under the terms of the Creative Commons Attribution-NonCommercial 4.0 International License which permits Share (copy and redistribute the material in any medium or format) and Adapt (remix, transform, and build upon the material) under the Attribution-NonCommercial terms

How to Cite This Article:

Jayhani H, Rahimzade Barzoki R, Mirzaie Barzoki F. (2021). Mountain Houses of Kashan; Study on the Architecture and Spatial Structure of the Residential Samples in the Muşallā Neighborhood of Barzok. *Athar*, 41 (3), 280-304

خانه‌های کوهستان کاشان؛

معماری و ساخت فضایی مسکن در محله مصلی برزک

حمیدرضا جیحانی^{۱*}، ریحانه رحیمزاده برزکی^۲، فاطمه میرزایی برزکی^۳

۱. دانشیار گروه معماری، دانشکده معماری و هنر، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران
۲. دانشجوی کارشناسی ارشد مطالعات معماری ایران، گروه مرمت بناها و بافت‌های تاریخی، دانشکده معماری، پردیس هنرهای زیبا، دانشگاه تهران، تهران، ایران
۳. دانشجوی کارشناسی ارشد مرمت و احیای بناها و بافت‌های تاریخی، مرکز مستندنگاری و مطالعات معماری ایران، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران

اطلاعات مقاله	خلاصه
دریافت: ۱۳۹۹/۰۷/۰۹ پذیرش: ۱۳۹۹/۱۲/۲۴ انتشار آنلاین: ۱۴۰۰/۰۳/۲۰	تحول در شیوه ساخت‌وساز و تغییر خصوصیت‌های ساختاری و کالبدی خانه‌ها در دهه‌های گذشته، شکل کلی آنها و در نتیجه منظر روستاها و شهرها را دگرگون کرده است. برزک که در نخستین سال‌های دهه هشتاد در تقسیمات کشوری به شهر تبدیل شد، با وجود اینکه چهره روستایی خود را حفظ کرده، از این تغییرات مصون نمانده است. منظر شهری جدید با منظر طبیعی، هویت و فرهنگ منطقه هم‌خوانی ندارد. برای پرهیز از تغییر منظر روستایی اصیل، مطالعه و فهم نمونه‌های اصیل باقی‌مانده در دسترس و از همه مهم‌تر نمونه‌های مسکونی، ضروری است. در محله مصلی و در کرانه تپه قلعه، قدیمی‌ترین هسته سکونتی برزک، نمونه‌هایی باقی‌مانده است. در این مقاله به این پرسش پاسخ داده شده است که خانه‌های محله یادشده چه خصوصیات و چه نوع سازمان‌دهی فضایی آنها نشان می‌دهد که خانه‌های محله از نظر معرفی برخی نمونه‌های منتخب و تبیین سازمان‌دهی فضایی آنها نشان می‌دهد که خانه‌های محله از نظر مصالح و شیوه ساخت و همچنین شکل‌گیری و توسعه، شباهت بسیاری با یکدیگر دارند که در نتیجه این امر به هماهنگی میان سیمای شهری و محیط و بستر طبیعی منجر شده است. همچنین فضاهای هر خانه به‌گونه‌ای در ترکیب کلی قرار گرفته‌اند که نقشی وسیع در هماهنگی یادشده بر عهده دارند. خانه‌ها ویژگی‌های مشترکی دارند که در چهار حوزه کلی روش و مصالح ساخت، سازمان‌دهی خانه‌ها براساس محل قرارگیری و هم‌جواری با معابر پیرامون و شیب زمین، سازمان‌دهی خانه‌ها براساس ترکیب فضاها و همچنین نحوه گسترش و سیر شکل‌گیری آنها دسته‌بندی می‌شود.

کلیدواژه‌ها: خانه، سازمان‌دهی فضایی، برزک، محله مصلی، تپه قلعه

حق کپی‌رایت انتشار: این نشریه دارای دسترسی باز، تحت قوانین گواهی‌نامه بین‌المللی Creative Commons Attribution 4.0 International License منتشر می‌شود که اجازه اشتراک (تکثیر و بازآرایی محتوا به هر شکل) و انطباق (باز ترکیب، تغییر شکل و بازسازی بر اساس محتوا) را می‌دهد.

جیحانی حمیدرضا، رحیمزاده برزکی ریحانه، میرزایی برزکی، فاطمه (۱۳۹۹). خانه‌های کوهستان کاشان؛ معماری و ساخت فضایی مسکن در محله مصلی برزک. فصلنامه علمی اثر، ۴۱ (۳)، ۲۸۰-۳۰۴.

با منظر طبیعی و هویت و فرهنگ منطقه هماهنگی ندارد، نخست نیاز به شناخت و مطالعه نمونه‌های باقی‌مانده اصیل است.

اهداف و سؤالات تحقیق

در این مقاله به این پرسش پاسخ داده می‌شود که خانه‌های تاریخی باقی‌مانده در محله مصلی و در کرانه تپه قلعه، به‌عنوان قدیمی‌ترین هسته سکونت بزرک، چه خصوصیتی دارند و چه نوع سازمان‌دهی در آنها قابل‌شناسایی است؟ هدف مقاله مستندسازی و مطالعه معماری خانه‌ها، همچنین شناخت اجزای تشکیل‌دهنده هریک و نحوه سازمان‌دهی فضایی آنهاست تا بتوان شیوه ساخت خانه‌های منطقه را شناسایی و ثبت کرد.

پیشینه تحقیق

تاکنون پژوهشی به‌طور مستقیم درباره خانه‌های بزرک انجام نشده است، اما خانه‌های کاردان، موسوی و قادری در محله‌های مصلی و در مسجد به ثبت آثار ملی رسیده‌اند. اسناد مربوط به این خانه‌ها در اداره میراث فرهنگی، صنایع‌دستی و گردشگری کاشان موجود است. علاوه بر خانه‌هایی که به ثبت رسیده‌اند، عناصر شهری دیگری نیز در فهرست آثار ملی قرار دارند؛ از جمله آسیاب آبی سعدآباد، حمام تاریخی محله سرگاول که تاریخ ساخت آن به دوره صفوی بازمی‌گردد، امام‌زاده سراج‌الدین، امام‌زادگان مشهور به چهل‌دختر و حاجی‌عوض و آب‌انبار محله سردل. مطالعات پیشین در باب بزرک بیشتر به اسناد و کتیبه‌ها و موضوعات فرهنگی معطوف بوده است تا پژوهش درباره خانه‌ها؛ برای نمونه پژوهشی درباره آثار، اسناد و کتیبه‌های تاریخی بزرک انجام شده است که در آن به تپه قلعه و آثار تاریخی موجود نیز پرداخته‌اند (Mashhadi, Noushabadi, 2012). در پژوهشی دیگر عزاداری در ماه محرم بزرک بررسی شده است (Moradi & Asali, 2008). همچنین مجموعه مقالاتی درباره بزرک در کتاب «ورژانامک» گردآوری شده است که این مقالات دربردارنده موضوعات مختلف مانند تاریخ، فرهنگ و گویش مردم هستند (Taheri Barzoki, 2018). علاوه بر این، پژوهش‌های متعددی

بزرک شهری کوهپایه‌ای در جنوب غرب کاشان است که میان دره‌ای وسیع در کوهستان کرکس قرار دارد. این شهر از سال‌های دور محل سکونت بوده است و نشانه‌های این سکونت در نقاط مختلف آن مشاهده می‌شود. زندگی در این زیستگاه تا دهه‌های اخیر هماهنگ با بوم، شرایط اقلیمی و فرهنگ محلی جریان داشته است. بزرک را هفت محله تشکیل می‌دهد که در گذشته هر محله را باغ‌ها و زمین‌های کشاورزی در بر می‌گرفته‌اند. در سال‌های اخیر، با گسترش ساخت‌وساز، شاهد از بین رفتن باغ‌ها و مرز میان محله‌ها هستیم؛ به‌طوری‌که بعضی از محله‌ها کاملاً در هم آمیخته‌اند. با وجود این موضوع، مرز محله‌ها در ذهن مردم بسیار پررنگ و قابل‌تفکیک است. اگرچه مطالعات دقیق و مشخصی تاکنون صورت نگرفته است، کهن‌ترین منطقه سکونت در بزرک را به محله مصلی و دامنه تپه‌ای که به «تپه قلعه» مشهور است نسبت داده‌اند. این محله به‌سبب قرار گرفتن در دامنه تپه، شکل و وضعیتی شاخص یافته است و شاید به همین سبب خانه‌های آن نیز نمودی وسیع در منظر شهری بزرک دارند. همچنین رشد تدریجی بعضی از خانه‌ها قابل‌توجه است که در طول زمان و طبق نیاز ساکنان به فضای بیشتر و با فنون محلی ساخت شکل گرفته‌اند.

طرح مسئله

بزرک که هنوز سیمای روستایی خود را حفظ کرده است، در نخستین سال‌های دهه هشتاد در تقسیمات کشوری به شهر تبدیل شد که این تغییر و تحول و تبعات آن، سبب به وجود آمدن گونه‌ای دیگر از ساخت‌وساز در منطقه شد. استفاده از مصالحی که نه تجدیدپذیر هستند و نه با وضعیت پیش از خود هم‌خوانی دارند، از پیامدهای این پدیده است. همچنین شاهد تغییرات بسیار در کالبد و عناصر فضایی خانه‌ها هستیم؛ به‌طوری‌که امروزه خانه‌ای که در بزرک بنا می‌شود، با خانه‌ای که در کاشان، قمصر یا نیاسر ساخته می‌شود تفاوت چندانی ندارد و نمی‌توان آنها را از یکدیگر بازشناخت. این پژوهش به این دلیل ضرورت دارد که شیوه ساخت‌وساز خانه‌های منطقه در معرض فراموشی قرار دارد و برای پرهیز از شکل‌گیری منظر شهری جدید که

گفت‌وگو با ساکنان، روش یافتن پاسخ پرسش‌های این مقاله بوده است.

یافته‌ها

برزک، محله مصلی و مستندسازی و مطالعه نمونه‌ها

برزک سکونتگاهی کوهپایه‌ای در فلات مرکزی ایران است که در راستای شمالی - جنوبی در میان رشته کوه کرکس قرار دارد. بنا بر شرح ضرابی (Zarrabi, 1999, P. 12) در اواخر سده سیزدهم هجری قمری، قریه^۱ برزک سرحد جنوب غربی کاشان است و از جمله قراء معظمه معتبره سردسیر، خوش آب‌وهوا و روح‌افزا و در وسط دو کوه عظیم واقع است. هسته سکونتی برزک بر دامنه تپه‌ها شکل گرفته است؛ به همین دلیل ساختار آن دره‌ای است.

بستر طبیعی برزک؛ روستاشهری در کوهستان

برزک با ارتفاعی حدود ۲۱۰۰ متر از سطح دریا در منطقه‌ای کوهستانی واقع شده است. ضرابی ضمن معرفی کوه‌ها و قله‌های اطراف کاشان، کوه‌های برزک را نیز برمی‌شمارد و از کوه‌های مخصوص قریه برزک از جمله تیراشتیان، بزمجه، سوک‌کارد، چال‌نقره، لاسیاه و کوه قلعه گردس^۲ نام می‌برد. در شمال برزک کوه‌های حاشیه‌ای دشت نابر قرار دارند که به ارتفاعات روستای دَره و بالای کارخانه سیمان به نام «پشت دندونه» ختم می‌شوند؛ بنابراین برزک از شمال با روستای دَره و روستاهای خُنَب و جَرَه و آبریزهایی که از ارتفاعات دشت نابر به سمت خُنچه بارونق سرازیر می‌شوند هم‌مرز است. کوه‌های جنوبی برزک شامل قلّه گرگش در ارتفاعات دشت ویشنگ و سپس قلّه بمبرل در انتهای مزارع دم قاشان و وسریون می‌شوند که با روستا یا شهر کامو هم‌مرز هستند. قلّه گرگش بلندترین نقطه در شهرستان کاشان و بخش برزک است. کوه‌های شرق برزک شامل کوه‌های دَره لاسیاه می‌شوند که به مزرعه گوجار تا قسمتی از ارتفاعات بخش قمصر ختم می‌شوند. بلندترین نقطه آن، قله اسپین و سپس کوه‌های دَره ورگنه هستند؛ بنابراین برزک از شرق با مزرعه گوجار و قمصر هم‌مرز است.

درباره گونه‌شناسی مسکن در مناطق مختلف انجام شده است؛ مانند الگوی مسکن ارومیه (Yazdanfar, Zarrabi al-Hosseini & Naserdoust, 2016)، گونه‌شناسی خانه‌های تاریخی دوره قاجاریه نراق (Jayhani, et al., 2019) و گونه‌شناسی ساختار کالبدی - کارکردی معماری مسکونی استان گلستان (Soltanzadeh & Ghaseminia, 2011). همچنین درباره روستای ابیانه نیز کتابی به نام «ابیانه، یک روستا، یک محله، یک بنا» چاپ شده است که در آن بافت کلی روستا، محله پل و تعدادی خانه متعلق به دوره‌های زمانی مختلف بررسی شده‌اند (Raie, 2013).

روش مطالعه

نخستین گام برای جلوگیری از گسترش چهره کنونی شهر و پرداختن به شیوه‌های ساخت‌وساز اصیل و هماهنگ با وضعیت پیشین منطقه، شناخت و یافتن الگوهای استفاده‌شده در ساخت خانه‌های تاریخی است. در این مقاله، خانه‌هایی که در کهن‌ترین هسته سکونتی برزک جای دارند و دارای الگوهای ساخت متفاوتی هستند، شناسایی، مستندسازی و مطالعه شدند تا بر این اساس بتوان برای ادامه ساخت‌وساز الگوهایی پیدا کرد که در راستای اصالت و هویت منطقه باشند. روش تحقیق در این پژوهش تفسیری - تاریخی است که بر پایه مستندسازی و مطالعات میدانی صورت گرفته است. در سال ۱۳۹۸ خورشیدی، در محله مصلی، هشت خانه براساس خصوصیات از جمله محل استقرار، قدمت، مصالح و اصالت شیوه ساخت، وضعیت سکونت، وضعیت بازسازی و گسترش انتخاب و نقشه هر خانه طبق اصول برداشت ابنیه تاریخی مستندسازی شد. ضمن برداشت نمونه‌های انتخاب‌شده، برای شناخت جامع‌تر سیر شکل‌گیری خانه‌ها و عوامل مؤثر بر چگونگی وضع کنونی آنها، با ساکنان هر خانه گفت‌وگوهایی صورت گرفت که طی این گفت‌وگوها اطلاعاتی درباره هسته اولیه خانه، وضع معیشت خانواده، چگونگی استقرار اشخاص در هر فضا و کارکردهای مختلف فضاها حاصل شد. مطالعه، تطبیق و تحلیل اطلاعات به‌دست‌آمده از مستندسازی خانه‌ها و

۱۲۵ متر عرض و بیش از ۲۰ متر ارتفاع دارد (Mashhadi Noushabadi, 2012, P. 40). در شرق و شمال شرقی تپه، محله در مسجد و در جنوب و جنوب شرقی آن کوه مرجنون و محله سردل قرار دارد. پیرامون تپه خانه‌ها به صورت مدور و در همه اضلاع مستقر شده‌اند و ضلع جنوبی آن به مزارع و باغ آویلا می‌رسد. آثار یافته‌شده در سطح تپه قلعه عبارت‌اند از یک تنور و آبراهه‌های ایجادشده در دل کوه، هاون‌های سنگی، حفره‌های متعدد و فضای غارمانندی در ضلع جنوبی تپه که شاید دست‌کند باشد. با توجه به اینکه باستان‌شناسان آثار موجود را از دوران تاریخی و اسلامی تشخیص داده‌اند، امکان کاربری آیینی این مکان، به‌ویژه غار موجود در این تپه در دوران پیش از اسلام وجود دارد. درباره جزئیات نوع آیین‌ها نمی‌توان سخن گفت، اما به نظر می‌رسد برخی تأسیسات ایجادشده، صبغه آیین‌های زرتشتی دارند (Mashhadi Noushabadi, 2012, P. 41). اهمیت تاریخی بزرگ در دوران اسلامی نیز با توجه به کتیبه‌های برجای‌مانده از دوره‌های ایلخانی و صفوی روشن می‌شود. باشکوه‌ترین دوران ترقی در بزرگ را باید ایلخانی دانست. طبق اسناد موجود در این دوره، مسجد جامع و دو مسجد دیگر در بزرگ علیا و سفلی ساخته شده‌اند و همچنین یک رشته قنات از چهار رشته قنات شهر نیز در این دوره حفر شده است (Mashhadi Noushabadi, 2012, PP. 34-35). براساس آثار موجود شاید بتوان گفت چهار محله مصلی، سرگاول، در مسجد و سردل قدمت بیشتری از سایر محله‌ها دارند. نام محله‌ها و باغ‌های شهر نیز ریشه در تاریخ دارند؛ برای مثال «سرگاول» با ذبح و کشتار گاو افسانه‌ای متعلق به میترا^۵ مناسبت دارد (Taheri Barzoki, 2018, P. 17). گویش مردم این منطقه «رایجی» خوانده می‌شود و از بقایای گویش پهلوی است که به‌جامانده از زبان ایران اشکانی و هخامنشی است (Mashhadi Noushabadi, 2012, P. 32).

ساختار شهری و محله‌ها

بزرگ متشکل از هفت محله است: سرگاول، در مسجد، سردل، مصلی، در زیارت، کارگاه و باغستان. در گذشته هر محله را زمین‌های کشاورزی و باغ‌ها احاطه می‌کردند که

کوه‌های غربی از کوه گروز^۳ آغاز می‌شود و سپس کوه بن‌تیر و در انتها کمر اشک قرار دارد. کوه بن‌تیر که ما بین کوه گروز و کمر اشک واقع شده است دقیقاً مرز غربی شهر بزرگ است. بزرگ از سمت غرب با محدوده روستای سده و ازوار هم‌مرز است. روستای آذران در جنوب غربی شهر بزرگ قرار دارد و با آن هم‌مرز است. آذران در دو مسیر راه رفت و آمد مال‌رو با بزرگ دارد: یکی گذار چغاده و دیگری گذار و سربون. (Sadeghian Barzoki, 2019). علاوه بر کوه‌های ذکرشده که در پیرامون شهر قرار دارند، در میان شهر نیز تپه‌هایی وجود دارند، از جمله مرجنون و تپه قلعه که این دو از بلندی‌های مهم شهر به شمار می‌آیند که در شکل‌های بعدی موقعیت دقیق آنها بررسی شده است. در سده‌های نزدیک به دوران معاصر اطلاعات تاریخی بیشتری وجود دارد. ضرابی در کتاب مرآه‌القاسان وضعیت بزرگ را در دهه ۱۲۸۰ ه. ق شرح داده و می‌نویسد: «بزرگ تیول منشی‌الممالک است و از یک قنات و دو چشمه کوچک دایر است و چند مزرعه او را تابع می‌باشد به‌ذه التفصیل. ده باب: مزرعه نابر، بیشه، چاله نقر، سیرون، بزمجه، کروس، قاصوره، پردریو، ویشنگ و رزه» (Zarrabi, 1999, P. 146). همچنین در کتابچه حالات و کیفیات بلده و بلوکات و مزارع دارالمؤمنین کاشان که در سال ۱۲۹۶ ه. ق نوشته شده و از ضمایم کتاب قم‌نامه است، نویسنده ضمن پرداختن به کاشان و آبادی‌های تابع آن درباره جمعیت بزرگ، کشاورزی و مزارع آن می‌نویسد: «قریه بزرگ از قرای بزرگ و باروح و صفاست. آب زیاد و اراضی کم دارد. از ابتدا تا انتهای آن یک فرسخ راه است. مشروب از یک قنات و دو چشمه که هر یک سه سنگ مساحی آب دارد. باغات زیاد دارد. فاضلاب او می‌رود در مزرعه نابر که محل چشمه راوند است و کشاورزی هم در حد مقدور در آن انجام می‌شود» (Modarresi Tabatabaie, 1985).^۴

بستر تاریخی

تپه قلعه یک موقعیت مهم طبیعی - تاریخی در بزرگ است که احتمالاً اولین استقرار روستانشینی در بزرگ بازمانده از دوران باستان بوده است. این اثر طبیعی که در کرانه غربی شهر و در محله مصلی قرار دارد، ۲۵۰ متر طول،

این تپه دو محلهٔ مصلی و در مسجد قرار دارند که بافت اصلی آنها، در مقایسه با سایر محله‌ها، کمتر آلودهٔ ساخت‌وسازهای ناهماهنگ با اقلیم و بافت گذشته شده است. از عناصر شاخص محلهٔ مصلی می‌توان به «چهارصفه» اشاره کرد. این مکان که در میان مردم نیز به همین نام شهرت دارد، از مکان‌های مهمی است که در گذشته در مقیاس روستا کارکرد داشته است و هم‌اکنون نیز در ماه‌های عزا مورد استفادهٔ مردم محله قرار می‌گیرد (Darvishian, 2017). از دیگر عناصر شهری شاخص، مسجد محله است؛ همان‌طور که بیان شد، در گذشته حوض آبی مقابل این مسجد قرار داشته است که اکنون اثری از آن نیست. در شکل ۱ موقعیت کوه مرجنون، تپه قلعه، محلهٔ مصلی و مسجد و چهارصفهٔ آن نشان داده شده است.

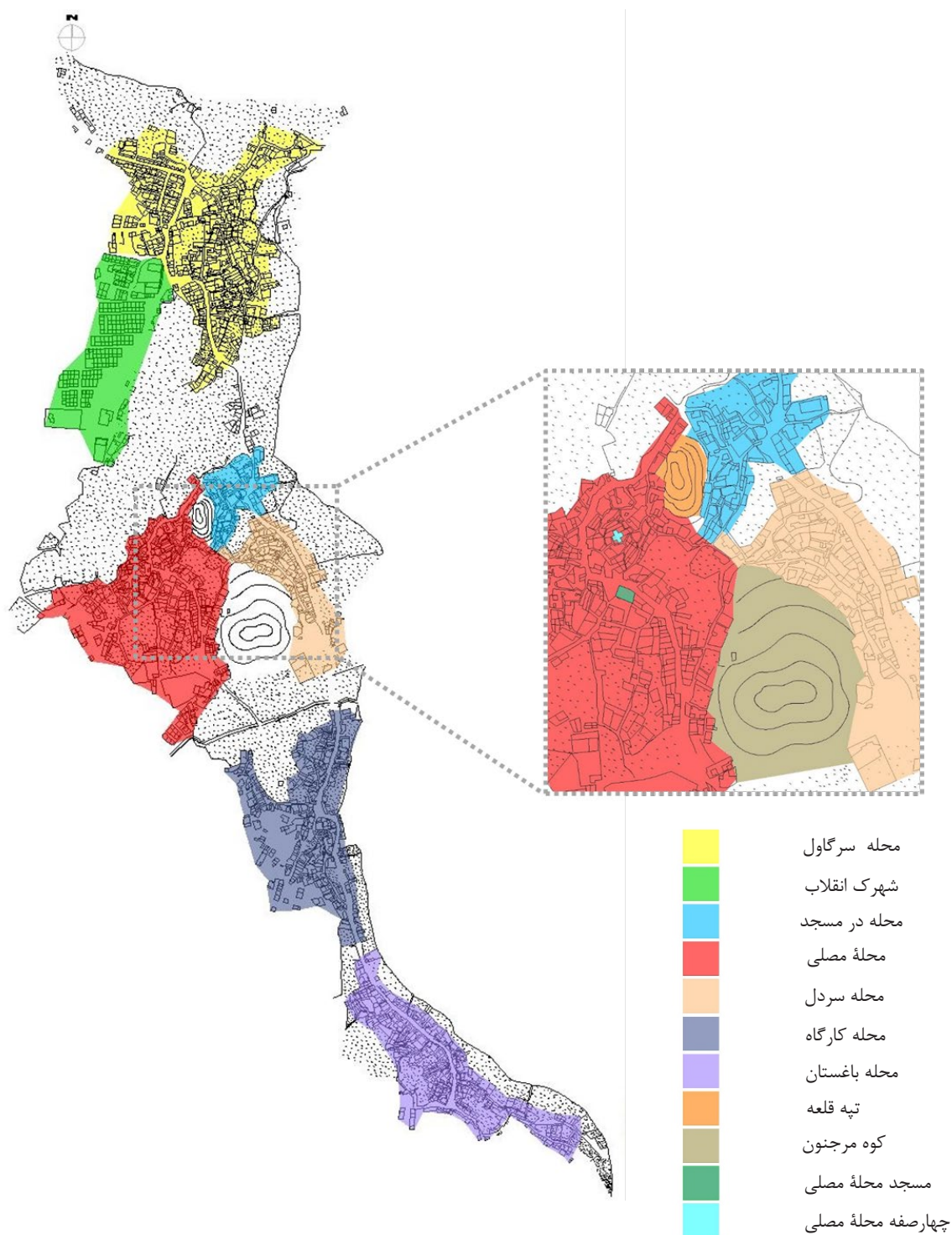
مطالعهٔ نمونه‌ها

از میان هفت محلهٔ برزک، محلهٔ مصلی به دلیل قدمت بیشتر و بستر طبیعی ویژه برای بررسی در این مقاله انتخاب شده است. همان‌طور که در نقشهٔ هوایی نیز مشاهده می‌شود، استقرار خانه‌های محله به دور تپه و بلندی‌های آن به صورت دوار است. این جایگیری متأثر از شیب و شکل تپه است؛ یعنی هرخانه با توجه به اینکه کدام سمت تپه قرار گرفته است، پشت به آن و رو به سوی درهٔ مقابل خود دارد. در این محله، بنا بر موقعیت قرارگیری و همچنین الگوی کلی خانه‌ها، هشت خانه بررسی شده‌اند که موقعیت این خانه‌ها در شکل ۲ مشخص شده است. مطالعهٔ اولیه این پژوهش، دربردارندهٔ تعداد بیشتری از خانه‌های این محله بوده است؛ از این رو نمونه‌هایی به‌طور دقیق‌تر مطالعه و مستندسازی شدند که اولاً از نظر اندازه شباهت کمتری با یکدیگر دارند و ثانیاً در کنار هم تعریف‌کنندهٔ شخصیت کلی خانه‌های محله هستند.

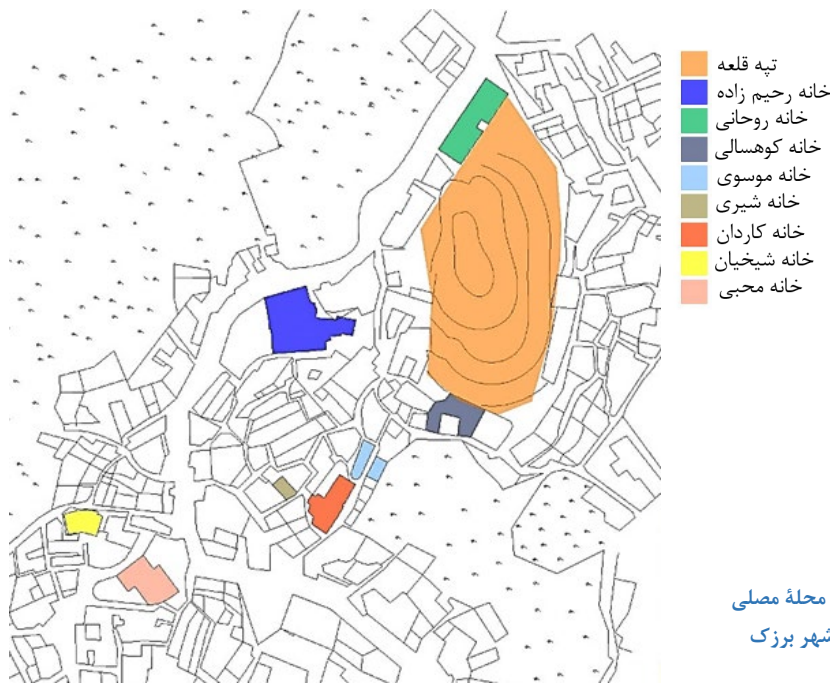
امروزه از مساحت آنها کاسته شده است. در سال‌های اخیر نیز شهرکی در نیمهٔ شمالی شهر ساخته شده است که شهرک انقلاب نام دارد. در شکل ۱ تقسیم‌بندی محله‌ها و مرز میان آنها قابل مشاهده است. بعضی از محله‌ها مرکز محله داشته‌اند؛ مثلاً در محلهٔ مصلی و در کنار مسجد کنونی، حوض آبی قرار داشته که به وسیلهٔ قنات سیراب می‌شده است. فضای باز پیرامون این حوض یکی از نقاط تجمع مردم محله بوده است که البته در وضع کنونی به دلیل ساخت خیابان اثری از آن نیست (Darvishian, 2017). اطراف چشمه‌های موجود در محلهٔ سرگاول نیز از فضاهای تجمع و دارای مرکزیت محسوب می‌شود. در گذشته هر محله قبرستانی مخصوص به خود داشته است، اما امروزه فضای اطراف امامزاده سراج‌الدین، در محلهٔ در زیارت، گورستان کل شهر است. در نتیجه این زیارتگاه که از جمله نقاط تجمع در برزک قدیم بوده است اکنون کارکردی در مقیاس شهر دارد.

محلهٔ مصلی؛ محدوده و عناصر شاخص آن

همان‌طور که گفته شد تپه قلعه به عنوان یک موقعیت طبیعی - تاریخی در محلهٔ مصلی، اهمیت خاصی در بافت کل شهر دارد؛ چراکه به نظر می‌رسد اولین هستهٔ سکونتی برزک در دامنهٔ این تپه بوده و به مرور زمان گسترش یافته است. دلیل این حدس را می‌توان در آثار باقی‌مانده از گذشته جست‌وجو کرد که نتیجهٔ بررسی آنها نشان‌دهندهٔ پیشینهٔ طولانی‌شان است. علاوه بر این، در محیط کوهستانی پیرامون برزک، قرارگیری هسته‌های اولیه روی ارتفاعات امری ضروری برای محافظت از شهر در برابر سیلاب‌ها و روان‌آب‌هاست؛ بنابراین ساخت‌وساز روی یک تپهٔ مرتفع و در عین حال قابل دسترس، امری طبیعی است. همچنین برای استفادهٔ حداکثر از زمین‌های کشاورزی، خانه‌ها بر روی بلندی‌ها و زمین‌های سخت^۶ جای گرفته‌اند. اکنون در اطراف



شکل ۱. محدوده محله‌های شهر بزرک، موقعیت تپه قلعه، کوه مرجنون، مسجد و چهارصفه محله مصلی
منبع: نگارندگان براساس طرح هادی شهر بزرک



شکل ۲. موقعیت خانه‌های بررسی شده در محله مصلی
منبع: نگارندگان، بر اساس طرح هادی شهر بزرگ

خانه حاج علی اکبر رحیمزاده

خانه رحیمزاده در دامنه غربی تپه قلعه و در کرانه شمالی محله مصلی مستقر است. این خانه از شمال به گذر اصلی و از جنوب و شرق و غرب به معبر خاکی متصل می‌شود. گذر اصلی که جهتی شمالی - جنوبی دارد، از جمله خیابان‌های دوره پهلوی است و برای ساخت آن بخشی از بالاخانه رحیمزاده و باغ مجاور آن تخریب شده است. معبر واقع در شرق خانه به سمت تپه می‌رود و خانه‌های دیگری در جداره این معبر قرار دارند. معبر غربی خصوصی است و به فضای باز و دالان تراز دوم خانه منتهی می‌شود. شکل کنونی خانه به هر چهار معبر یک ورودی دارد (جدول ۱). ورودی شمالی اصلی‌ترین و ورودی شرقی، به سبب هم‌نشینی با طولیله، فرعی‌ترین ورودی هستند. در همه ورودی‌ها سلسه‌مراتب دالان - ورودی مشاهده می‌شود. دالان جنوبی پیچیده‌تر است و کشیدگی بیشتری دارد. همچنین دو پیرنشین در کنار ورودی آن دیده می‌شود. ممکن است پیش از احداث خیابان، این ورودی اصلی خانه بوده باشد. بررسی میدانی نشان می‌دهد، هسته اولیه خانه اتاق و دالان غربی آن بوده است و سپس با گذشت زمان و به تدریج خانه به شکل کنونی

نزدیک شده است. چگونگی ارتباط فضاها و نحوه دسترسی به هر کدام از اتاق‌ها تا حدی گویای این رشد تدریجی است. پیش از اینکه مجموعه فضاها به شکل کنونی درآید، اطراف تک‌اتاق و دالان ورودی یورت^۷ قرار داشته است. با هر گسترش، قسمتی از یورت به مساحت بخش ساخته شده خانه افزوده شده و در نهایت تنها یک طولیله باقی مانده که به دیگر فضاهای خانه متصل است.

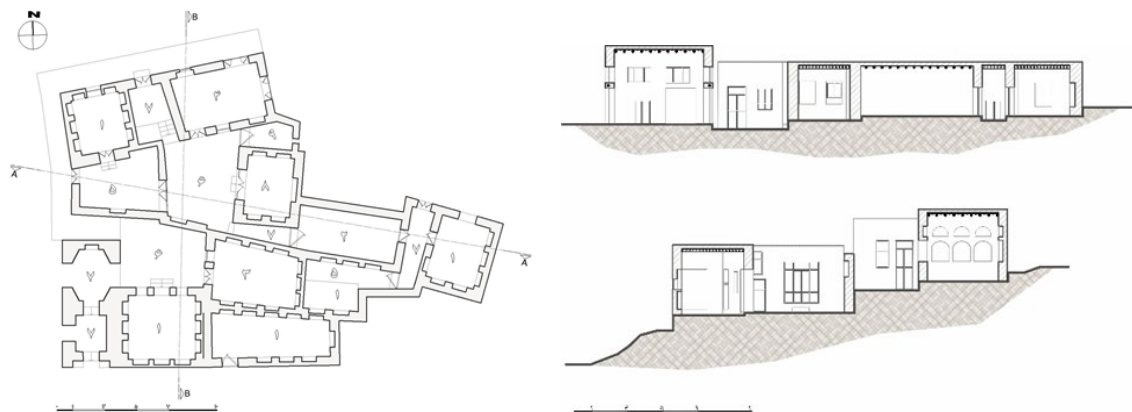
به دلیل جایگیری خانه روی شیب تپه، تراز ارتفاعی فضاها مختلف است، اما در یک دسته‌بندی کلی می‌توان دو تراز عمده را در خانه شناسایی کرد که هر کدام با اختلاف ارتفاع سطح و رواداری حدود ۱/۵ متر یکی از ترازهای بنا را شکل می‌دهند. تراز ارتفاعی اول شامل حیاط و اتاق‌های پیرامون آن است که به نظر می‌آید این حیاط میانی بیش از آنکه فضای اصلی و شکل‌دهنده باشد، حاصل نحوه کنار هم قرارگیری اتاق‌هاست؛ به همین دلیل شکل آن متأثر از نحوه سازمان‌دهی فضایی اتاق‌هاست و البته باغچه‌ای نیز ندارد. می‌توان تا حدی نتیجه گرفت که حیاط در این خانه، نه فضای اصلی، بلکه جایی برای عبور و تقسیم بوده است. در

برای خوابیدن و برپاکردن دار قالی (Rahimzadeh)
(Barzoki, 2019).

تراز ارتفاعی دوم که از دو جبهه غربی و جنوبی قابل دسترسی است، فضایی نیمه خصوصی تلقی می‌شود. شاید بتوانیم به فضای میانی آن حیاط بگوییم؛ زیرا حاصل هم‌نشینی اتاق‌های پیرامون و از طرفی پیونددهنده آنهاست، اما حیاط خوانده نمی‌شود. نقش ارتباطی این فضا بیشتر از حیاط تراز یکم است؛ به این دلیل که بی‌واسطه به گذر شمالی متصل است و همچنین از طریق دالان جنوبی، که دالانی مشاع بین خانه رحیم‌زاده و همسایه غربی بوده است، به معبر جنوبی متصل می‌شود. این سازمان‌دهی فضایی کیفیتی نیمه خصوصی به تراز دوم می‌دهد. با وجود این خانه رحیم‌زاده را می‌توان مجموعه‌ای گسترده و متشکل از اتاق‌ها و فضاهای متعدد دانست که به واسطه دالان‌ها و فضاهای باز به هم متصل شده‌اند. اگرچه نحوه سازمان‌دهی فضاها پیچیده است، بر شیب تپه انطباق دارد؛ در نتیجه مجموعه‌ای که در گذر زمان به این شکل درآمده است، در هم‌نواپی مطلوبی با ساختار تپه و محیط پیرامون خود قرار دارد.

این تراز، فضاهای اصلی نشیمن خانواده قرار دارد. گرچه کالبد هر اتاق بیان‌کننده عملکرد غالب آن نیست، هرکدام از اتاق‌ها به کاربری مخصوص خوانده می‌شود؛ یعنی بالاخانه، قالیباف‌خانه و آشپزخانه، یا اینکه شکل و ابعاد اتاق نام آن را مشخص کرده است: اتاق کوچک و اتاق بزرگ. از حیاط تراز اول یک دالان میانی به طویله منتهی می‌شود. دلیل این فاصله اندک، سهولت دسترسی و امکان سرکشی به دام‌ها در طول شبانه‌روز است. ضمن اینکه گسترش تدریجی خانه سبب قرارگیری طویله میان اتاق‌ها شده است؛ یعنی طویله و حصار، پیش از ساخت اتاق‌ها، با فاصله از فضای زیستی قرار داشته‌اند، اما بعد از گسترش خانه این فاصله به طی کردن یک دالان کوتاه شده است. در سمت شرق طویله، دالان شرقی خانه قرار دارد که به دو اتاق منتهی می‌شود. این اتاق‌ها از آخرین تغییرات خانه هستند. گسترش خانه با ازدواج فرزندان و بزرگ شدن خانواده رابطه مستقیم دارد. برای هر خانواده کوچک و نوپا سقفی ساخته می‌شود و خانه از درون رشد می‌کند. اتاق‌های جدید به مراتب عملکردهای بیشتری را شامل می‌شوند: فضای زیست و معیشت، جایی

جدول ۱. پلان و برش خانه رحیم‌زاده



۱- اتاق ۲- طویله ۳- بالاخانه ۴- مهمان‌خانه ۵- قالیباف‌خانه ۶- حیاط ۷- دالان ۸- مطبخ ۹- سرویس بهداشتی

منبع: نگارندگان

خانه کوهسالی

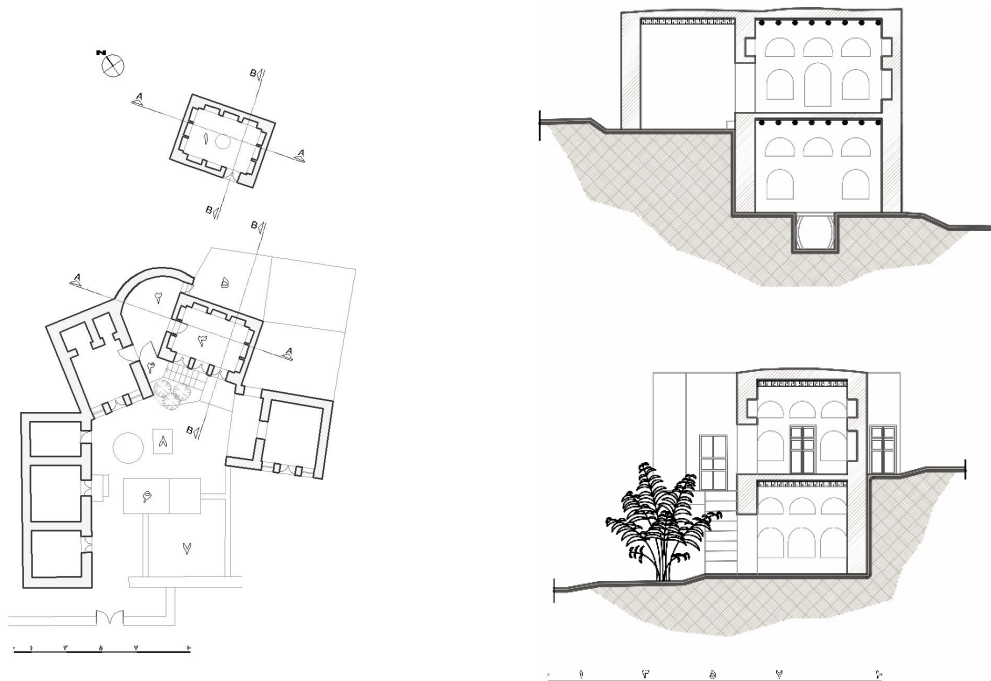
قرار دارد. این کوچه مجموعه‌ای متشکل از خانه‌ها و یک فضای باز میانی است (جدول ۲). فضاهای ساخته شده حاصل

کوچه نجارها معبری بن‌بست در جنوب تپه قلعه است که در شمال باغ آویلا و مرز میان دو محله مصلی و در مسجد

نمونه برداشت شده - خانه کوهسالی - سرتنور تنها با یک در به محوطه متصل می‌شود و گشایش دیگری ندارد که این مورد با توجه به ملاحظات اقلیمی صورت گرفته است. به همین ترتیب، اتاق بالاخانه در جبهه رو به محوطه برای تهویه و نورگیری سه در چوبی دارد که نمی‌توان از آنها عبور کرد و نقش پنجره دارند. تفاوت گشودگی‌های زمستان‌نشین و تابستان‌نشین در تعداد و ابعادشان است. اشکوب دوم شامل یک دالان و بالاخانه است. از دالان به‌عنوان مطبخ نیز استفاده می‌شود. درواقع الگوی ساخت خانه‌های کوچه نجارها یکی از ساده‌ترین الگوهای رایج در منطقه کوهستانی برزک است. آنچه به این محوطه جلوه ویژه‌ای می‌دهد، موقعیت و چگونگی هم‌نشینی خانه‌هاست که به اعتبار میدانگاه کوچک بینشان، می‌توان کوچه نجارها را مجموعه‌ای مسکونی یا مجموعه‌ای از خانه‌ها با حیاط اشتراکی نامید.

هم‌نشینی سه خانه است که در دو جبهه شمالی و غربی فضای باز قرار گرفته‌اند. جهت‌گیری خانه‌ها طوری است که پشت به تپه دارند و رو به سوی دره؛ به همین دلیل خانه‌ها نورگیری جنوبی یا شرقی دارند. در جنوب فضای باز میانی دیواری خشتی کشیده شده است که محوطه را از معبر پایین‌دست و باغ‌های اطراف تمیز می‌دهد. در جبهه شرقی، حصار برای دام‌ها قرار دارد. دیگر فضاهای وابسته به خانه‌ها در همین محوطه جای گرفته‌اند؛ از جمله سرویس بهداشتی، منبع آب، حصار و مرغدانی. بعضی از فضاها مانند سرویس بهداشتی بین سه خانه مشترک است (Tavakoli, 2019). این اشتراک در نقاط دیگری از برزک نیز مشاهده می‌شود.^۸ در کوچه نجارها سه خانه مستقل ساخته شده است که از نظر سازمان‌دهی فضایی تا حدودی مشابهند. هر خانه متشکل از یک اتاق زمستان‌نشین یا سرتنور در اشکوب اول و یک اتاق تابستان‌نشین یا بالاخانه در اشکوب دوم است. در

جدول ۲. پلان و برش خانه کوهسالی



۱- اتاق ۲- مطبخ ۳- بالاخانه ۴- دالان ۵- ایوان ۶- مرغدانی ۷- حصار ۸- سرویس بهداشتی

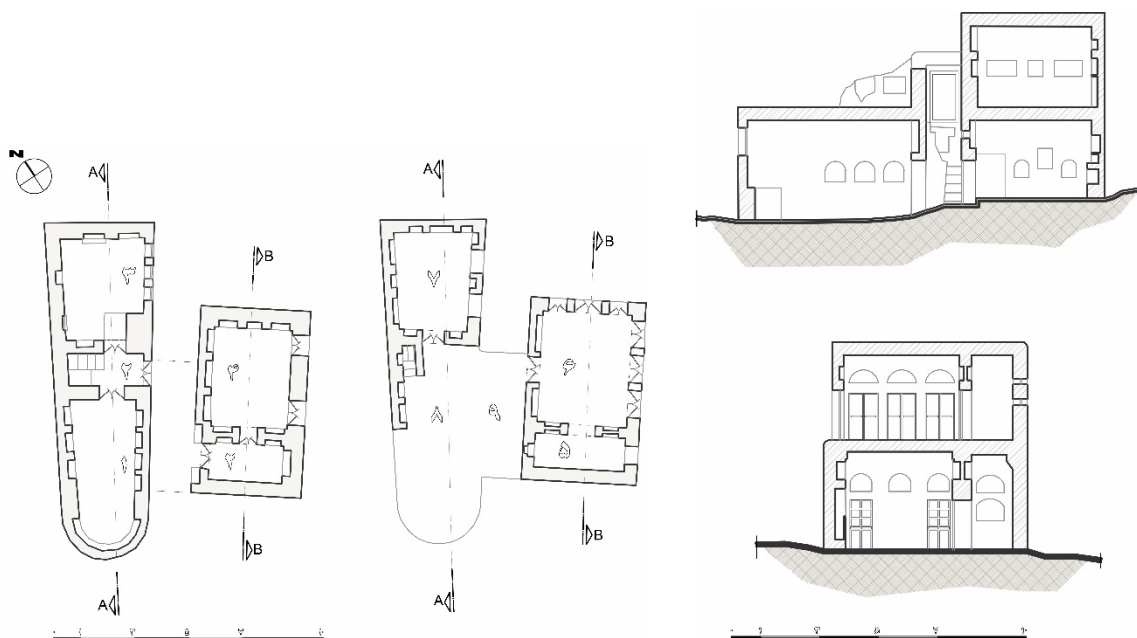
منبع: نگارندگان

خانهٔ حاج آقا رضا موسوی

هستند، ولی در اشکوب اول به هم متصل می‌شوند (جدول ۳). نیمهٔ جنوبی شامل دالان، اتاق و مهمان‌خانه و چهاردری است. در نیمهٔ شمالی نیز فضاهای دالان، اتاق، بالاخانه، ایوان، سرسا و طویله قرار دارند. می‌توان گفت بخش اصلی خانه اتاق واقع در نیمهٔ شمالی بناست که کارکردهای مختلفی داشته است و در مجاورت دالان و طویله قرار دارد. ایوانی در اشکوب اول است که فضای نیمه‌باز خانه به شمار می‌رود. تقسیم‌شدن خانه به دو نیمهٔ شمالی و جنوبی و معبری که میان این دو قرار دارد، سبب ایجاد نوع خاصی از خانه در برزک شده است که کمتر با آن مواجه می‌شویم. هرکدام از این دو نیمه می‌توانند به‌عنوان خانه‌ای منفرد در برزک شناخته شوند، اما در خانهٔ موسوی سرسا این دو بخش را به هم متصل می‌کند. در حال حاضر خانه بدون سکنه است.

خانهٔ موسوی در دامنهٔ تپه قلعه و در کوچه‌ای معروف به «حاج آقا رضا» قرار گرفته است. خانه از دو نیمهٔ شمالی و جنوبی تشکیل شده است و معبری از میان این دو بخش عبور می‌کند. نیمهٔ جنوبی از جهت شمال شرقی و جنوب غربی در همسایگی دو خانهٔ دیگر است که یکی از آنها تخریب شده است. از جهت جنوب شرقی نیز در مجاورت یک باغ است. نیمهٔ شمالی بنا به‌طور کامل در ارتباط با معبر است. خانهٔ کاردان که از خانه‌های مهم در برزک به شمار می‌رود، در همسایگی این خانه قرار دارد. خانهٔ حاج آقا رضا در زمینی به مساحت ۷۱ مترمربع با زیربنای ۱۱۷ مترمربع و در دو اشکوب ساخته شده است. کشیدگی اصلی خانه در راستای شمال شرقی - جنوب غربی است و همان‌طور که گفته شد از دو نیمهٔ مجزا تشکیل شده است که در دو طرف معبر قرار دارند. این دو بخش در اشکوب همکف جدا از یکدیگر

جدول ۳. پلان و برش خانه موسوی



۱- اتاق ۲- دالان ۳- طویله ۴- مهمان‌خانه ۵- پستو ۶- چهاردری ۷- بالاخانه ۸- ایوان ۹- سرسا

منبع: نگارندگان

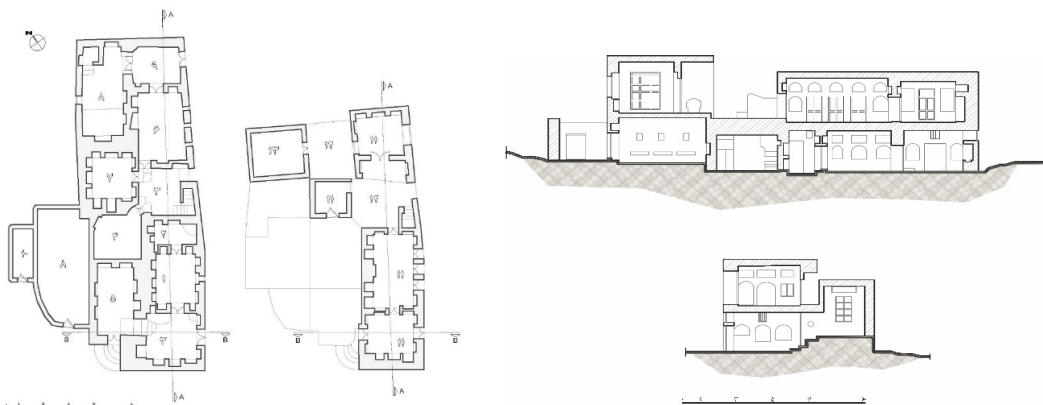
خانه خانم کاردان

در اشکوب اول، دو نیمه شمالی و جنوبی به وسیله ایوانی به هم مرتبط می‌شوند. بخش اصلی و قلب خانه را می‌توان نیمه جنوبی اشکوب همکف دانست که متشکل از یک دالان، اتاق و قالیباف‌خانه است؛ البته قالیباف‌خانه اکنون کارکرد خود را از دست داده است.

سازه سقف هر دو اشکوب از تیرهای چوبی است. در دیوارهای اشکوب همکف تا ارتفاع تقریبی ۱/۵ متری سنگ و سپس خشت استفاده شده است. بازشوهای اشکوب همکف شامل دو در ورودی به دالان‌های شمالی و جنوبی بناست. سه پنجره با ابعاد ۳۰ × ۳۰ سانتی‌متر نیز با فواصل مساوی در ارتفاع ۱/۵ از کف اتاق اصلی قرار گرفته‌اند، اما در اشکوب اول بازشوها با ابعاد بیشتر به سمت معبر گشوده می‌شوند. این خانه در سال ۱۳۸۴ در فهرست آثار ملی به ثبت رسیده است. خانه کاردان جزء خانه‌هایی است که ریزفضاهای تشکیل‌دهنده آن بسیار متنوع هستند و به همین دلیل مساحت زیربنای آن از دیگر خانه‌ها بیشتر است. در ضمن ساختار خطی خانه در بسیاری از خانه‌های دیگر مشاهده می‌شود و از این نظر نیز می‌تواند نماینده تعداد زیادی از خانه‌های دیگر این محله باشد.

خانه کاردان در دامنه تپه قلعه و در ابتدای کوچه حاج آقا رضا قرار گرفته است. جبهه‌های شمالی، جنوبی و شرقی بنا با معبر مرتبط است. همچنین مسجد محله مصلی در نزدیکی خانه قرار دارد. خانه در زمینی تقریباً مستطیل‌شکل با مساحت ۲۰۰ مترمربع در دو اشکوب ساخته شده است. زیربنای بخش‌های ساخته‌شده ۴۰۰ مترمربع و راستای اصلی خانه شمالی - جنوبی است. در وضعیت کنونی خانه از دو بخش مجزا تشکیل شده است که هر دو بخش در یک سمت کوچه قرار دارند، اما از داخل به یکدیگر دسترسی ندارند و تنها از طریق معبر عمومی به هم مرتبط می‌شوند (جدول ۴). بخش شمالی شامل فضاهای خدماتی مانند انباری، سرویس بهداشتی و معیشتی از قبیل طویله است. در بخش جنوبی نیز فضاهایی برای زندگی قرار دارد؛ مانند اتاق، قالیباف‌خانه و پستو. این دو بخش در اشکوب بالا از طریق ایوانی به یکدیگر متصل می‌شوند. در اشکوب اول و در نیمه جنوبی بنا، بالاخانه‌ای قرار دارد که ورودی آن از طریق معبر جنوبی است. همچنین در دالان نیمه شمالی پله‌هایی وجود دارد که به اشکوب اول می‌رسند. نیمه شمالی اشکوب اول نیز شامل یک بالاخانه و اتاقی است که «سردخانه» نام دارد.

جدول ۴. پلان و برش خانه کاردان



۱-اتاق ۲- پستو ۳- دالان ۴- انباری ۵- قالیباف‌خانه ۶- انبار کاه ۷- سرویس بهداشتی ۸- طویله ۹- حیاط ۱۰- مرغدانی ۱۱- بالاخانه ۱۲- ایوان ۱۳- سردخانه،

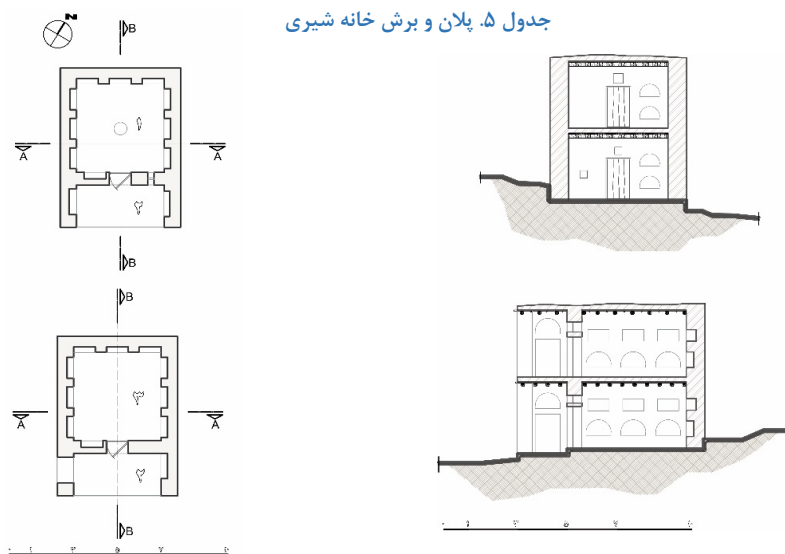
منبع: نگارندگان

خانه خانم شیری

خانه شیری در محله مصلی و حاشیه تپه قلعه جای گرفته است و از سمت جنوبی خود به معبر راه می‌یابد. در جبهه‌های شرقی، غربی و شمالی بنا خانه‌های دیگری ساخته شده‌اند. خانه کاردان نیز در نزدیکی این خانه است. خانه در زمینی به مساحت ۴۱ مترمربع قرار دارد و مساحت قسمت ساخته شده ۸۳ مترمربع است که در دو اشکوب سازمان‌دهی شده است (جدول ۵). راستای اصلی خانه در جهت شمال غربی - جنوب شرقی است. یک اتاق و ایوان مقابلش فضاهای اشکوب همکف را تشکیل می‌دهند. همچنین اتاق و ایوانی نیز در اشکوب اول قرار دارند. اتاق ساخته شده در اشکوب اول را بالاخانه می‌نامند. دسترسی به اشکوب اول از طریق سرسایبی که روی کوچه ساخته بودند امکان‌پذیر بوده است.

پله‌هایی که به سرسا می‌رسیدند، در سوی دیگر معبر و مقابل خانه قرار داشته‌اند. در حال حاضر سرسا و پله‌ها تخریب شده‌اند و تنها آثاری از پله‌ها باقی است؛ به همین دلیل برداشت و مستندسازی این عناصر میسر نشد. بخش اصلی خانه اتاق اشکوب همکف است که از طریق ایوان مقابلش با معبر ارتباط دارد. ایوان فضای نیمه‌باز خانه محسوب می‌شود و در دیواره آن اجاقی قرار دارد که در گویش محلی به آن «کَلک» می‌گویند (Kardan, 2019). خانه در وضعیت فعلی بدون سکنه است. از میان خانه‌هایی که در پژوهش بررسی شده‌اند، این نمونه کمترین مساحت را داشته و از این جهت قابل‌ملاحظه است.

جدول ۵. پلان و برش خانه شیری



۱- اتاق ۲- ایوان ۳- بالاخانه

منبع: نگارندگان

خانه استاد علی شیخیان

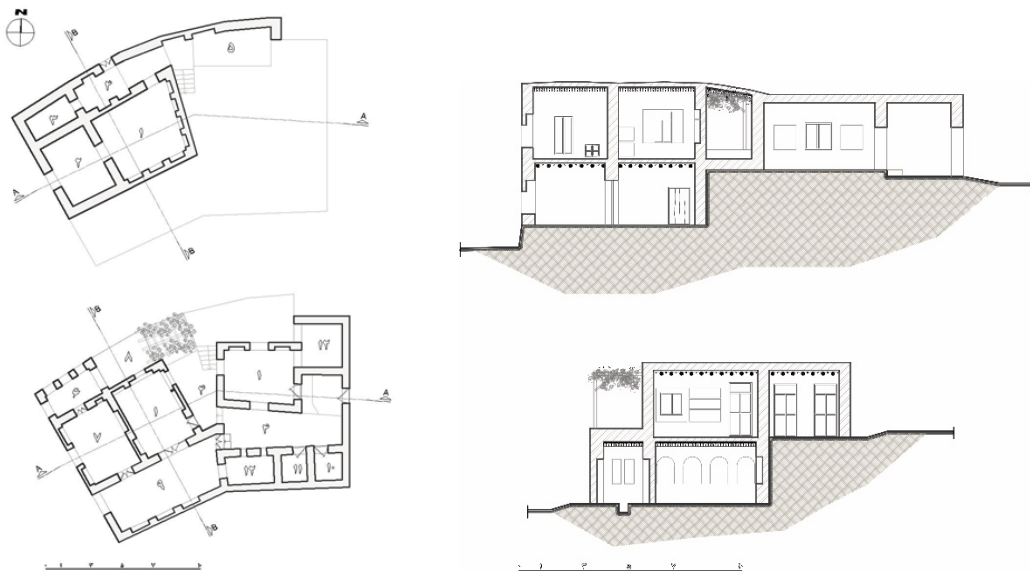
خانه شیخیان در کوچه‌باغی در محله مصلی قرار دارد. معبری در جبهه‌های شمالی، جنوبی و غربی بنا کشیده است و از جهت شرق نیز با خانه‌ای دیگر در مجاورت است. خانه در زمینی به مساحت ۲۱۹ مترمربع و با زیربنای ۲۹۷ مترمربع در دو سطح ارتفاعی مختلف ساخته شده است.

(جدول ۶). این خانه به‌مرور زمان در جهت شرقی - غربی امتداد یافته است و در وضعیت فعلی دو بخش شرقی و غربی، کالبد خانه را شکل می‌دهند. نیمه غربی خانه در دو اشکوب ساخته شده است که بنا بر توصیف ساکنان اشکوب همکف آن هسته اولیه خانه، شامل اتاق، سرتنور، دالان، انبارکاه و

می‌دهند. ایوان اشکوب اول فضای نیمه‌باز خانه است که بدون جان‌پناه و در ارتباط مستقیم با معبر قرار دارد. موضوع قابل توجه در خانه شیخیان رشد و گسترش آن در طول زمان است؛ به گونه‌ای که اکنون تشخیص قسمت‌های اصیل و جدید خانه از یکدیگر دشوار است، اما باید توجه داشت که توسعه خانه در هماهنگی نسبی با بستر طبیعی و فرهنگی صورت گرفته است.

حیاط یا باغچه بوده است (Ghasemi, 2019). در اشکوب اول این نیمه نیز دالان، ایوان، بالاخانه، پستو و مهمان‌خانه قرار دارند. نیمه شرقی بنا در یک اشکوب ساخته شده و شامل دالان، بالاخانه، مطبخ، سرویس بهداشتی و حمام است. در حال حاضر بیشتر فعالیت‌ها در اشکوب اول انجام می‌شود و اشکوب همکف متروک شده است. اتاق‌های موجود در اشکوب اول و در نیمه غربی، بخش اصلی و قلب خانه را شکل

جدول ۶. پلان و برش خانه شیخیان



۱- اتاق ۲- سرتنور ۳- انبار کاه ۴- دالان ۵- حیاط ۶- پستو ۷- بالاخانه ۸- ایوان ۹- مهمان‌خانه ۱۰- حمام ۱۱- سرویس بهداشتی ۱۲- مطبخ

منبع: نگارندگان

خانه محمد روحانی

شمالی - جنوبی است؛ در حالی که فضاهای خانه عمود بر این راستا، جهت‌گیری شرقی - غربی دارند. وضع کنونی خانه از ترکیب دو بخش شمالی و جنوبی شکل گرفته است که باغچه‌ای این دو بخش را مرتبط می‌کند. هسته اولیه خانه در قسمت جنوبی زمین قرار دارد که در وضع سابق خود بزرگ‌تر بوده است و در گذر زمان بخشی از آن تخریب شده که بقایای آن در باغچه قابل تشخیص است. بخشی از باغچه نیز در اثر ساخت خیابان از بین رفته است (Rouhani,)

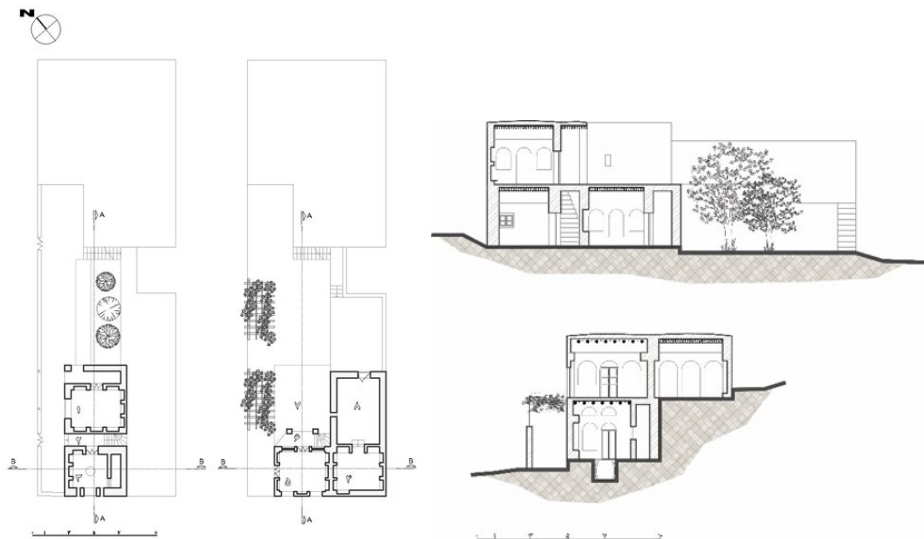
خانه روحانی در کرانه شمالی محله مصلی، در شمال غربی تپه قلعه و در کنار پلکان اصلی ورودی محوطه بالای تپه قرار دارد (شکل ۵). در این محوطه یک صحنه برای اجرای برنامه‌های فرهنگی و تجمع مردم شهر ساخته شده است که در مجاورت خانه روحانی قرار دارد و شیب تپه جایگاه حضور مردم است. خانه در زمینی به شکل مستطیل و به مساحت تقریبی ۳۹۰ مترمربع و با زیربنای ۱۲۰ مترمربع ساخته شده است (جدول ۷). کشیدگی زمین خانه

زیرین داربست عبور می‌کنیم و در بخش جنوبی خانه با دو دالان موازی مواجه می‌شویم: دالان شمالی و جنوبی. دالان شمالی به اتاقی راه دارد که در جنوب آن است و بررسی میدانی نشان می‌دهد که اتاق‌های دیگری در جبهه شمالی آن قرار داشته است. این انتظام خطی و توالی دالان - اتاق در دیگر خانه‌ها نیز مشاهده می‌شود. در دالان جنوبی سرتنور و پلکان اشکوب دوم قرار گرفته‌اند. پلکان انتهایی دالان به ایوان اشکوب دوم می‌رسد. بخشی از ایوان مسقف است و به اتاق راه دارد و بخشی که سقف ندارد سرسرا خوانده می‌شود. سرسرا فضای باز خانه است که برای خشک کردن محصولات باغی کاربرد دارد. به علاوه ساکنان این خانه با گذر از سرسرا به طویله دسترسی داشته‌اند. علت اینکه طویله در اشکوب بالا قرار دارد، جایگیری خانه روی سطح شیب‌دار تپه است. برای ورود دام‌ها نیز در جداگانه‌ای از سمت تپه تعبیه شده است. به همان علت که در شرح خانه رحیم‌زاده بیان کردیم، در این خانه نیز شاهد فاصله کوتاه بین فضای زیستی و معیشتی هستیم. در مجموع اشکوب دوم متشکل از دو اتاق، یک ایوان، سرسرا و طویله است (جدول ۷).

هسته ثانویه خانه‌ای نوساز است و در شمال زمین قرار دارد. ساخت این قسمت منجر به متروک شدن هسته اولیه شده است. در این بررسی به دلیل شیوه ساخت و قدمت بیشتر، توجه ما به قسمت جنوبی خانه معطوف است.

فضاها در دو اشکوب سازمان‌دهی شده‌اند: اشکوب اول هم ارتفاع باغچه و حدود نیم متر بالاتر از گذر اصلی است، اشکوب دوم بر روی اشکوب اول ساخته شده است و از طریق پلکان بسته‌ای به هم راه دارند. ورودی‌های پیشین خانه، که اکنون هر دو مسدود شده‌اند، در جبهه شرقی و غربی قرار دارند. ورودی شرقی بدون دالان وارد اتاقی در اشکوب دوم می‌شود که به‌طور مستقیم با محوطه تپه در تماس بوده است. ورودی غربی به باغ و معبری راه داشته که اکنون گذر اصلی شده است. در وضع فعلی برای دسترسی به بخش جنوبی خانه باید از ورودی بخش شمالی عبور کرد که در جبهه غربی باغچه و در مجاورت گذر اصلی قرار دارد. باغچه بریده شده خانه روحانی با یک دیوار بتنی از گذر جدا می‌شود که فاصله این دیوار با جداره قسمت جنوبی حدود ۲ متر است. این فاصله را با داربست انگور^۹ مسقف کرده‌اند. با گذر از ورودی، که بلافاصله به باغچه گشوده می‌شود، از فضای

جدول ۷. پلان و برش خانه روحانی



- اتاق ۲- دالان ۳- سرتنور ۴- بالاخانه ۵- مهمانخانه ۶- ایوان ۷- سرسرا ۸- طویله

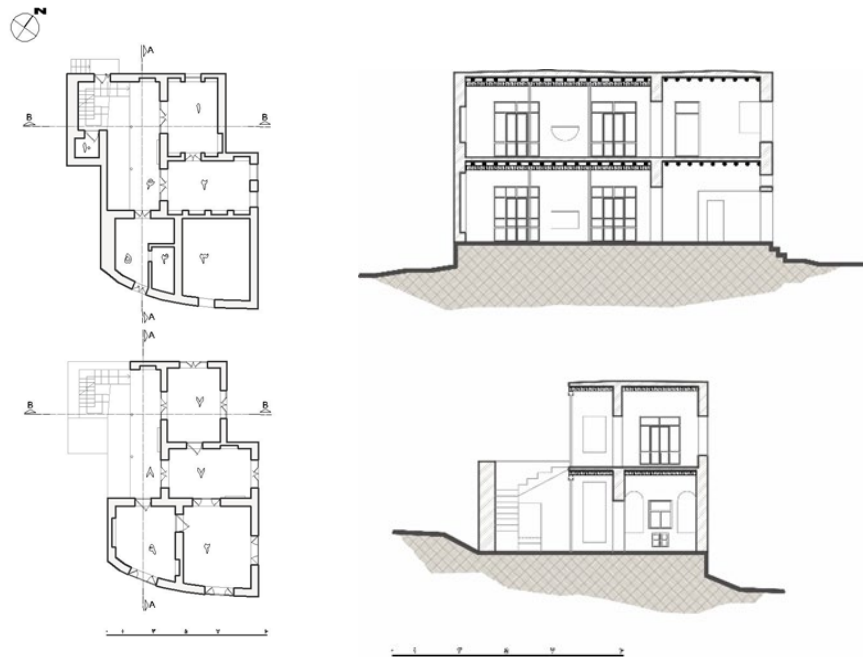
منبع: نگارندگان

خانه حاج عباس محبی

ورودی شمالی، وارد حیاط کشیده‌ای می‌شویم که می‌توان آن را فضای نیمه‌باز دانست؛ زیرا ایوان بالاخانه بخش قابل توجهی از آن را پوشانده است. حیاط به‌عنوان فضای باز یا نیمه‌باز، نور و تهویه اتاق‌ها را تأمین می‌کند و محلی برای خشکاندن محصولات باغی است. ارتباط دو اشکوب از طریق پلکان روباز جای‌گرفته بر سردر ورودی میسر است. فضاها در دو تراز ارتفاعی به شکل مشابهی سازمان یافته‌اند: اشکوب اول متشکل از حیاط، اتاق نشیمن، آشپزخانه و هسته اولیه خانه است. اشکوب دوم که از طریق پلکان و ایوان قابل دسترسی است، چهار اتاق دارد که منطبق بر فضاهای زیرین و متأثر از شکل آنهاست. در واقع نحوه سازمان‌دهی فضاها در این خانه منطبق بر یکی از ساده‌ترین الگوهای ساخت خانه در بزرگ است؛ مشابه الگویی که در ساخت خانه شیرینی مشاهده شد؛ با این تفاوت که تعداد و مساحت اتاق‌ها افزایش یافته و ایوان اشکوب دوم به حیاط گشوده و محدود شده است (جدول ۸).

خانه محبی در کرانه غربی محله مصلی و در شمال غرب تپه کوچکی جای دارد که «تل نرگنبد» خوانده می‌شود. خانه از جبهه شمال غربی به گذر اصلی و از جبهه جنوب شرقی به معبر مالرو متصل است و کشیدگی خانه در همین راستاست. دو جبهه دیگر با جداره خانه‌های همسایه محدود شده است. زمین خانه مستطیلی به مساحت ۱۴۰ مترمربع با زیربنای ۲۳۰ مترمربع در دو اشکوب ساخته شده است (جدول ۸). با وجود اینکه خانه روی سطح شیب‌دار تل قرار دارد، از طریق صافه‌سازی سنگی سطح صافی برای ساخت طبقات ایجاد شده است؛ به همین دلیل در این خانه تنها دو تراز ارتفاعی مشاهده می‌شود. هسته اولیه خانه متشکل از سرتنور، طویله و دالان در جبهه جنوبی است که به معبر خاکی متصل می‌شود (Mosallae, 2019). هسته ثانویه در تلفیق و هم‌آوایی مطلوبی با هسته اولیه در گسترش به سمت شمال شکل گرفته است. ورودی فعلی خانه در جبهه شمالی قرار دارد که مجاور گذر اصلی است و با چهار پله از سطح آن جدا می‌شود. با عبور از

جدول ۸. پلان و برش خانه محبی



۱- اتاق ۲- مطبخ ۳- طویله ۴- حمام ۵- دالان ۶- حیاط ۷- بالاخانه ۸- ایوان ۹- قالیباخانه ۱۰- سرویس بهداشتی

منبع: نگارندگان

روش و مصالح ساخت خانه

روش کلی ساخت خانه‌ها در برزک به این صورت است که ابتدا کرسی سنگی به ارتفاع تقریبی ۱/۵ متر ساخته می‌شود؛ البته گاهی این سنگ‌چینی امتداد می‌یابد و کل دیوار اشکوب اول از جنس سنگ است. سپس چینش خشت‌ها برای ساخت دیوار طبقات آغاز می‌شود. سازه سقف از تیر چوبی است. نخست تیرها روی دیوارهای باربر قرار می‌گیرند، پس از آن نی‌های چوبی را روی تیرها می‌گذارند و روی نی‌های چوبی را با مقداری خاشاک می‌پوشانند که در گویش محلی به آن همّه و آورد می‌گویند. سپس از ملات گل به ضخامت حدود ۱۰ سانتی‌متر و در نهایت از ملات کاه‌گل به ضخامت ۵ سانتی‌متر به‌عنوان اندود سقف و دیوارها استفاده می‌شود. در ادامه، دو برش از خانه‌های موسوی و شیری به همراه جزئیات ساخت آنها ارائه شده است (شکل ۳).

بحث

هر خانه بسته به اینکه در چه موقعیت و مختصاتی شکل گرفته باشد، دارای خصوصیتی است که آن را از خانه‌های مناطق دیگر متمایز می‌کند. ممکن است خانه‌های ساخته‌شده در شرایط مشابه خصوصیت‌های مشابهی نیز داشته باشند. شخصیت خانه‌ها را می‌توان از منظرهای مختلف بررسی کرد؛ از جمله محیط و بستر طبیعی، معیشت و شغل صاحب‌خانه، معابر و گذرهای موجود، عناصر و فضاهای اصلی هر خانه و ترکیب کلی آنها. این زوایا و مناظر برای توجه به شخصیت خانه‌ها، مهم‌ترین زمینه‌هایی هستند که احتمالاً در شکل‌گیری خصوصیات مسکن در محدوده مورد نظر نقش دارند و در عین حال نقش و جایگاهشان طی مواجهه اولیه و برداشت و مطالعه میدانی مورد توجه قرار گرفته است.

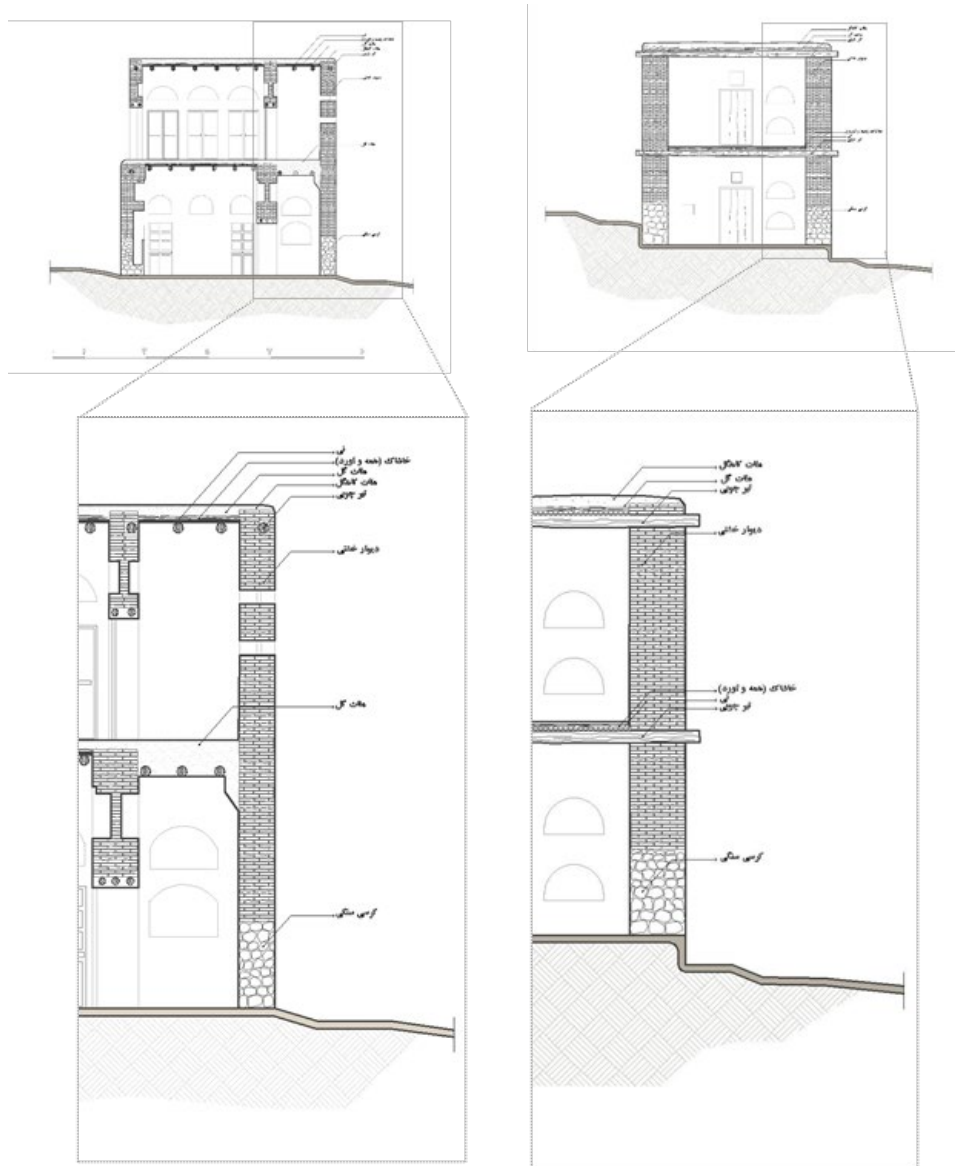
محیط و بستر طبیعی

در محله مصلی با توجه به بلندی‌های آن، محیط و بستر طبیعی را می‌توان اولین عامل تعیین‌کننده شکل کالبدی و جهت‌گیری خانه‌ها دانست. خانه‌ها بسته به اینکه در چه

نقطه‌ای از شیب تپه مستقر شده باشند، سازمان‌دهی فضایی متفاوتی دارند. برخی از خانه‌ها روی تپه هستند و شیب تپه تأثیر قابل‌توجهی در کالبد آنها ایجاد کرده است؛ مانند خانه‌های رحیم‌زاده (جدول ۱)، کوهسالی (جدول ۲)، شیخیان (جدول ۶) و روحانی (جدول ۷). در این خانه‌ها تعداد ترازهای ارتفاعی بیشتر است و فضاها در سطوح متعددی سازمان‌دهی شده‌اند. ضمن اینکه اختلاف ارتفاع ترازها ممکن است دامنه تغییرات گسترده‌ای داشته باشد. برای ورود و دسترسی آسان‌تر به ترازهای مختلف، به‌فراخور محیط اطراف خانه و معبرهای موجود، ورودی‌های متعددی تعریف شده است. همان‌طور که در توضیح هر خانه آوردیم، تعداد ورودی‌ها دو یا بیشتر است که هر کدام در تراز ارتفاعی متفاوتی قرار دارند. برخی خانه‌ها در بستری با شیب کمتر جای گرفته‌اند؛ مثلاً در هم‌واری‌های پایین تپه یا روی تل قرار دارند. خانه‌های موسوی (جدول ۳)، کاردان (جدول ۴)، شیری (جدول ۵) و محبی (جدول ۸) از این دسته‌اند. در این خانه‌ها صفه‌سازی سنگی نقش مهمی در ایجاد سطح یکنواخت برای ساخت خانه دارد. بر این اساس خانه‌ها تحت تأثیر محیط و بستر طبیعی دو مشخصه بارز یافته‌اند. نخست اینکه شیوه ساختشان طوری است که برآمده از بوم و ظرفیت‌های برآمده از آن است؛ برای مثال مصالح و فنون ساخت محلی هستند. دیگر اینکه سازمان‌دهی خانه در ارتباط با محل قرارگیری صورت گرفته است و برای مثال خانه‌ها دارای ترازهای ارتفاعی متفاوت و ورودی‌های متعدد و صفه‌های سنگی و مسطح‌سازی هستند.

معیشت

در برزک سه شغل عمده مردم بر شخصیت خانه‌ها اثرگذار بوده است: دام‌داری، کشاورزی و قالی‌بافی. در خانواده‌های دام‌دار نگهداری از دام بخش مهمی از فعالیت معیشتی بوده است؛ بنابراین فضایی برای این کار لازم است. طویله ممکن است بخشی از خانه باشد؛ یعنی در ساختار خانه و با فاصله‌ای اندک در کنار فضاهای زیستی قرار بگیرد؛ مانند خانه‌های رحیم‌زاده و روحانی. یا ممکن است بیرون از خانه و در مجاورت آن ساخته شود. در خانه‌های کاردان،



شکل ۳. بزرگ‌نمایی بخشی از برش خانه‌های موسوی و شیری
منبع: نگارندگان

کافی برای نگهداری دام وجود نداشته است. برای انبار علوفه ممکن است فضای جداگانه‌ای ساخته شود یا بخشی از طویله و حصار به این کار اختصاص یابد. در خانه کاردان و روحانی فضای انبار و طویله را مجزا ساخته‌اند.

در کنار دام‌داری، کشاورزی نیز در معیشت مردم نقش پررنگی داشته است. بعضی خانواده‌ها باغ‌دار و کشاورز بودند و عده‌ای نیز روی زمین دیگران کار می‌کردند. به هر حال

شیری، شیخیان و محبی طویله‌ها خارج از محیط خانه در معبر ساخته شده‌اند. طویله ممکن است مسقف یا روباز باشد. در صورتی که بدون سقف باشد «حصار» می‌نامند. حصار محل نگهداری تابستانی دام است. در کوچه نجارها (جدول ۲) نمونه‌ای از حصار وجود دارد. گاهی به دلیل مساحت کم، طویله یا حصار را در جایی دورتر از خانه می‌ساختند. به این معنا که دام‌داری شغل اصلی خانواده بوده، اما در خانه فضای

فضایی در خانه برای خشک کردن و نگهداری از محصولات باغی نیاز بوده است. بیشتر محصولات را پس از فصل برداشت خشک می‌کردند تا فساد آنها را به تأخیر بیندازند. بسته به نوع محصول، خشک کردن را به دو شیوه کلی انجام می‌دادند: یا در معرض آفتاب و جریان هوا قرار می‌دادند، یا به وسیله میخ و نخ از تیرهای سقف آویزان می‌کردند (Kardan, 2019). برای خشک کردن در برابر آفتاب، فضاهای باز و نیمه‌باز مانند حیاط، ایوان، پشت‌بام و سرسا مناسب بوده است. در خانه کاردان، شیخیان و روحانی این فضاها قابل شناسایی هستند. فضای لازم برای روش دوم را بالاخانه‌ها و همچنین اتاق‌هایی داشته‌اند که پستو خوانده می‌شوند و دمای هوا در آنها کمتر از سایر اتاق‌ها است. برای این کار میخ‌هایی را در تیرهای چوبی سقف تعبیه می‌کردند و محصولات را با نخ از آن می‌آویختند. نمونه‌های باقی‌مانده از این روش در بالاخانه‌های کاردان و محبی دیده می‌شود.

بعد از دام‌داری و کشاورزی، قالی‌بافی در کالبد خانه‌ها اثرگذار بوده است. نخست دار قالی را در همان اتاقی که محل نشستن و خوابیدن خانواده بوده است در سمتی از اتاق برپا می‌کردند (Najjari Barzoki, 2019) به‌ویژه در خانه‌هایی که مساحت کمی داشته‌اند؛ مانند خانه کوهسالی و شیرینی. به تدریج و با گسترش خانه‌ها، اتاقی مختص بافتن قالی اضافه شده است. قالیباف‌خانه ممکن است طول و ارتفاع بیشتری در مقایسه با سایر اتاق‌ها داشته باشد. در خانه‌های رحیم‌زاده، شیخیان و محبی نمونه قالیباف‌خانه مشاهده می‌شود؛ اگرچه ممکن است این اتاق‌ها نیز چندعملکردی باشند. بنابراین مشاهده می‌شود که معیشت به‌طور مستقیم و از طریق شکل‌گیری برخی فضاها، یا ایجاد پاره‌ای تغییرات در فضاهای دیگر بر خانه‌های محله مصلی تأثیر گذاشته‌اند. این مورد البته فراتر از ریزفضاهاست و بر نحوه ترکیب فضاهای باز و بسته و نیمه‌باز نیز تأثیر گذاشته است.

محل و موقعیت معابر و گذرها

معابر و گذرها در نحوه سازمان‌دهی و گسترش فضاهای خانه تأثیر بسزایی دارند. ضمن اینکه مسیر دسترسی به خانه‌ها متأثر از شبکه معابر است، ساخت گذرهای جدید بر

گسترش یا تخریب کالبدی خانه‌ها تأثیر مستقیم داشته است. همان‌طور که در شرح خانه‌های رحیم‌زاده و روحانی ذکر شد، ساخت خیابان بخشی از این دو خانه را تخریب کرده و به گسترش بعدی آنها جهت داده است. همچنین کشیدگی خانه و ورودی‌های متعدد آن از دسترسی‌ها تأثیر می‌پذیرد. در خانه‌های رحیم‌زاده، کاردان، شیخیان و محبی وجود معابر و گذرهای پیرامون امکان داشتن ورودی‌های مختلف را به خانه داده است. در جدول ۹ جایگیری خانه‌ها و ارتباط آنها با معابر بررسی شده است؛ بنابراین محل و موقعیت معابر بر نحوه شکل‌گیری و سازمان‌دهی خانه‌ها تأثیر گذاشته است و در عین حال تغییرات ایجاد شده نشان می‌دهد که این شبکه بر نحوه توسعه خانه‌ها نیز مؤثر بوده است. در این مورد باید در نظر داشت که هر دو خصوصیت یادشده براساس پایبندی به شیوه ساخت بومی میسر شده است.

فضاهای اصلی هر خانه و ترکیب اصلی فضاها

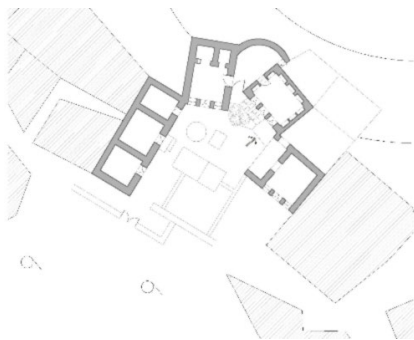
اتاق اصلی‌ترین فضا در خانه‌های بزرگ است. فارغ از اینکه کالبد اتاق چه خصوصیتی داشته باشد، ممکن است یک تا چند عملکرد در آن هم‌زمان یا در زمان‌های مختلف صورت بگیرد. نام هر اتاق بنا بر فعالیت عمده‌ای که در آن انجام می‌شود یا براساس جایگیری‌اش در خانه تغییر می‌کند. با بررسی کالبدی نمونه‌ها، فضاهایی همچون اتاق، پستو، بالاخانه، قالیباف‌خانه، سرتنور، دالان و ایوان در خانه‌ها قابل تشخیص هستند. در جدول ۱۰ فضاهای هر خانه مطالعه‌شده به تفکیک درج شده‌اند.

در این هشت خانه همان‌طور که از نشانه‌گذاری‌ها پیداست (جدول ۱۰)، دالان، اتاق، بالاخانه و ایوان عناصر کالبدی اصلی به شمار می‌آیند. اولین ترکیب قابل‌شناسایی ترکیب دالان - اتاق است. دالان نیز مانند اتاق چند عملکرد دارد؛ یعنی علاوه بر متصل کردن خانه به محیط بیرون از آن، ممکن است مطبخ، بارانداز، کفش‌کن، جایی برای نگهداری ابزار کشاورزی و گاهی برپا کردن دار قالی باشد. چگونگی حرکت در این ترکیب فضایی بسته به جایگیری اتاق‌ها ممکن است خطی یا L شکل باشد. به این صورت که ابتدا وارد دالان

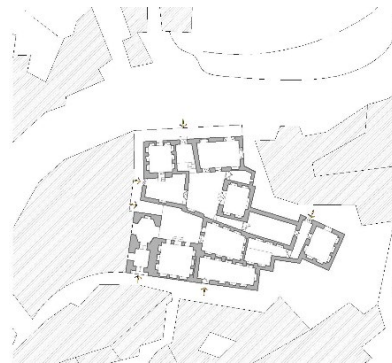
عین حال کلاسیک در بزرگ شکل می‌گیرد. بر این اساس شاید بتوان مهم‌ترین خصوصیت خانه‌های بررسی شده را نوعی سازمان‌دهی برآمده از نحوه ترکیب خاصی از ریزفضاها دانست که به‌طور مستقیم بر شکل و ساخت فضایی مسکن در محله مصلی تأثیر گذاشته است. به این ترتیب ترکیب‌های جزئی‌تری از ریزفضاها قابل‌شناسایی هستند که در نهایت از کنار هم قرار دادن آنها شکل و چیدمان نهایی خانه حاصل می‌شود. باید توجه داشت که این خصوصیات ترکیب ریزفضاها در کنار هم و شکل‌گرفتن اندام‌هایی از بناست که در نهایت نحوه شکل‌گیری و توسعه خانه را فراهم می‌کند.

می‌شویم، سپس به اتاق‌هایی که دری رو به دالان دارند راه می‌یابیم و از اتاقی به اتاق دیگر. گاهی در انتهای دالان پلکانی برای دسترسی به اشکوب بالا ساخته شده است (شکل ۴). قرارگیری طبقات و ترکیب فضاها در راستای عمودی، معمولاً به این صورت است که دالان و اتاق‌ها - به‌خصوص سرتنور و قالیباف‌خانه - در اشکوب پایین جای دارند و بالاخانه و ایوان در اشکوب بالا روی آنها قرار می‌گیرند. علاوه بر این، ترکیب‌های فضایی دیگری نیز در شکل‌گیری خانه‌های بزرگ قابل‌شناسایی‌اند. مهم‌ترین آنها ترکیب اتاق و ایوان است که از ترکیب ساده این دو عنصر، یک خانه بسیار ابتدایی و در

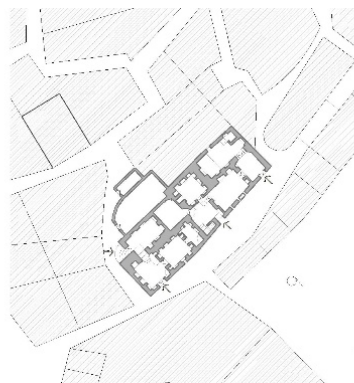
جدول ۹. موقعیت قرارگیری خانه‌ها و ارتباط با معبر



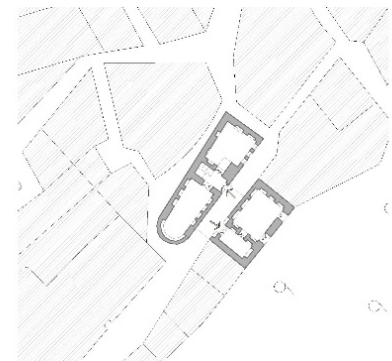
خانه کوهسالی



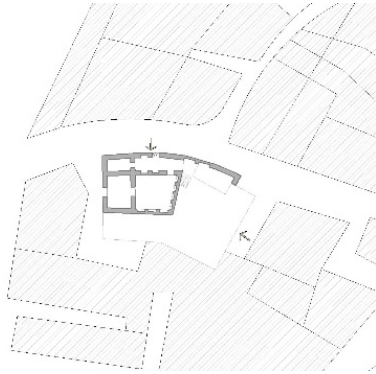
خانه رحیم زاده



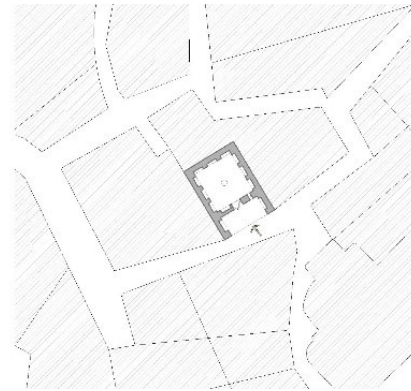
خانه کردان



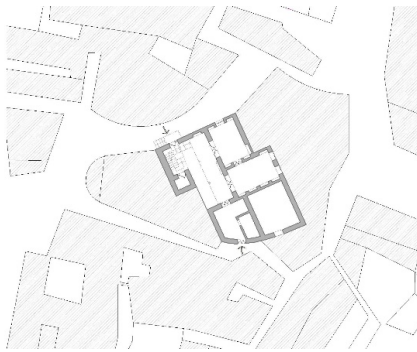
خانه موسوی



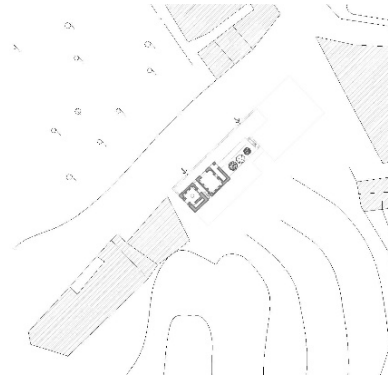
خانه شیخیان



خانه شیر



خانه محبی

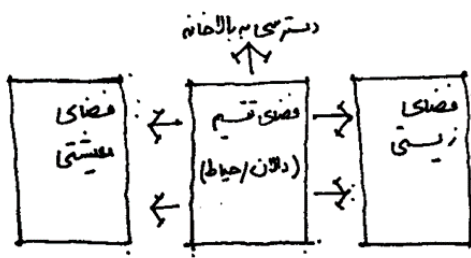


خانه روحانی

منبع: نگارندگان؛ نقشه شهری از طرح هادی برزک است

خصوصیت و شخصیت خانه‌های محله مصلی

مطالعات صورت گرفته نشان می‌دهد که هرکدام از محورهای مندرج در جدول ۱۱، یک یا چند خصوصیت از خانه‌ها را روشن می‌کنند؛ برای مثال، بررسی‌ها نشان می‌دهد که خانه‌های مطالعه شده در شیوه ساخت و نوع مصالح استفاده شده به طور کلی مشابه هستند. اغلب به دلیل قرارگیری بر روی شیب تپه نیاز به مسطح‌سازی بوده و در نتیجه خانه روی یک صفت سنگی ساخته شده است. دیوارها از جنس خشت یا ترکیب خشت و سنگ هستند و اندود خارجی‌شان کاه گل است. اندود داخلی دیوارها ممکن است کاه گل یا گچ باشد. ساختار سقف از تیر چوبی و نی‌های عمود بر آن شکل می‌گیرد.



شکل ۴. دیاگرام روابط فضایی موجود در برخی خانه‌ها
منبع: نگارندگان



جدول ۱۰. ریزفضاهای موجود در هر خانه

خانه محبی	خانه روحانی	خانه شیخیان	خانه شیری	خانه کاردان	خانه موسوی	خانه کوهسالی	خانه رحیم زاده	خانه فضا
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	اتاقی
✓	✓	✓		✓	✓	✓	✓	دالان
		✓		✓	✓			پستو
✓		✓				✓	✓	مطبخ
	✓	✓						سرتنور
	✓	✓			✓		✓	مهمانخانه
✓				✓			✓	قالیباخانه
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓	بالاخانه
✓		✓		✓			✓	حریاط
✓	✓	✓	✓	✓	✓	✓		ایوان
					✓			چهاردری
						✓		حصار
✓	✓			✓	✓		✓	طولیه
				✓				انباری
		✓		✓				انبار گاه
				✓		✓		مرغدانی
✓		✓						حمام
✓		✓		✓		✓	✓	سرویس بهداشتی
	✓		✓		✓			سروا
				✓				سردخانه

منبع: نگارندگان

جدول ۱۱. محورهای مطالعه شده و خصوصیت‌های مرتبط با آنها

محورهای مطالعه شده	خصوصیت‌های مرتبط
محیط و بستر طبیعی	شیوه ساخت و مصالح سازماندهی خانه در ارتباط با محل قرارگیری
معیشت	براساس نحوه ترکیب ریزفضاها شکل‌گیری و سازماندهی مشابه براساس نحوه ترکیب فضاهای باز و بسته و نیمه‌باز
محل و موقعیت معابر و گذرها	شکل‌گیری و سازماندهی خانه‌ها توسعه خانه
فضاهای اصلی هر خانه و ترکیب اصلی فضاها	براساس نحوه ترکیب ریزفضاها شکل‌گیری و سازماندهی مشابه نحوه ترکیب فضاهای باز و بسته و نیمه‌باز توسعه خانه

منبع: نگارندگان

- اتاق و ایوان - اتاق در خانه‌ها شکل می‌گیرد که از ابتدایی - ترین و اصلی‌ترین سازمان‌دهی فضایی خانه‌هاست. دالان به‌عنوان فضای بسته اغلب در تراز ارتفاعی پایین قرار دارد و ایوان به‌منزله فضای نیمه‌باز و نظاره‌گر چشم‌انداز محیط پیرامون در تراز ارتفاعی بالا جای دارد. مطالعات صورت‌گرفته نشان می‌دهد، گسترش و سیر شکل‌گیری خانه‌ها به‌صورت تدریجی و در گذر زمان اتفاق افتاده است و شکل کنونی هر خانه در هم‌نوایی با هسته اولیه آن و همچنین محیط پیرامون قرار دارد. در نمونه‌هایی که گسترش یافته‌اند، ممکن است حیاط نقش ارتباط‌دهنده فضاها را داشته باشد؛ به همین دلیل حیاط در این خانه‌ها فضای اصلی محسوب نمی‌شود. در مجموع برخی خصوصیات ذکرشده خانه‌ها بنا بر وضعیت استقرار و سیر شکل‌گیری هر خانه، در میان نمونه‌های مطالعه‌شده مشترک و قابل‌تعمیم به دیگر خانه‌های محله مصلی و کل برزک است.

نتیجه‌گیری

با مستندسازی و مطالعه هشت نمونه از خانه‌های تاریخی محله مصلی به‌عنوان قدیمی‌ترین هسته سکونتی در برزک، خصوصیات هر خانه شناسایی شد. نتایج این مطالعه نشان می‌دهد، خانه‌های محله مصلی در بعضی از خصوصیت‌های کالبدی متفاوت‌اند و در بعضی دیگر مشترک. از جمله خصوصیات متفاوت می‌توان به موقعیت ورودی و مساحت هر خانه اشاره کرد. مهم‌ترین علل این تفاوت را می‌توان محل قرارگیری و همچنین سیر شکل‌گیری خانه‌ها برشمرد. غیر از این تفاوت‌ها، خانه‌های بررسی‌شده در برخی خصوصیات مشترک‌اند. این خصوصیات مشترک را می‌توان مهم‌ترین ویژگی‌های خانه در محله مصلی برشمرد؛ ویژگی‌هایی که شخصیت کلی خانه‌ها را شکل می‌دهند. خصوصیات مشترک خانه‌ها را می‌توان در چهار حوزه دسته‌بندی کرد که عبارت‌اند از: شیوه ساخت که در عین حال مصالح مشابه را هم شامل می‌شود، سازمان‌دهی خانه براساس محل قرارگیری و از جمله هم‌جواری با معابر پیرامون و تأثیرپذیری از شیب زمین، سازمان‌دهی خانه‌ها براساس ترکیب ریز فضاها و همچنین نحوه شکل‌گیری و توسعه. شناخت این

از سوی دیگر، سازمان‌دهی خانه‌ها متأثر از محل قرارگیری آنها بوده است و خانه‌ها در ارتباط با محیط و بستر طبیعی، به روی شیب تپه و در زمین‌های سخت قرار گرفته‌اند و به‌سوی دره مقابلشان جهت‌گیری کرده‌اند. بدین ترتیب ضمن بهره‌بردن از نور و منظر، دو عنصر فضایی ایوان و بالاخانه در سازمان‌دهی خانه‌ها شکل گرفته است. به‌نحوی می‌توان این خصوصیت را تعمیم داد؛ زیرا خانه‌ها چه در شیب تپه باشند و چه در نقاط هموارتر، در جهت‌گیری رو به‌سوی دره مقابلشان دارند (شکل ۵) و برای بهره‌بردن از نور و منظر، ایوان و بالاخانه ساخته می‌شود، اما در هر سمت تپه خانه‌ها نورگیری متفاوتی دارند. چشم‌انداز خانه‌ها، به‌خصوص آن‌هایی که در دامنه تپه قرار دارند، وسیع‌تر است و گستره کوهستان، خانه‌ها و باغ‌ها را شامل می‌شود. گذرها و معابر به گسترش خانه‌ها جهت داده‌اند. به همین دلیل ممکن است در هر خانه، بسته به ارتباطی که با شبکه معابر داشته است، ورودی‌های متعدد در ترازهای ارتفاعی مختلف وجود داشته باشد.



شکل ۵. قرارگیری خانه روحانی بر بستر تپه قلعه منبع: نگارندگان

طبق بررسی‌های صورت‌گرفته، سازمان‌دهی خانه‌ها براساس ترکیب ریزفضاها و اتاق به‌عنوان فضای اصلی، شاکله کلی هر خانه را می‌سازد. در سازمان‌دهی فضایی خانه‌ها، جایگیری و کارکرد اتاق نام آن را تعیین می‌کند. این نام با پسوند «خانه» به اتاق‌ها داده می‌شود؛ مثلاً بالاخانه اتاقی است که در تراز ارتفاعی بالا قرار می‌گیرد و در تمام نمونه‌های مطالعه‌شده دیده می‌شود. ارتباط اتاق‌ها با یکدیگر به دو صورت است: مستقیم و غیرمستقیم. در ترکیب فضایی اتاق - پستو دو فضا در ارتباط مستقیم قرار دارند. در ارتباط غیرمستقیم فضاها، دو فضای واسطه اصلی دالان و ایوان قابل‌شناسایی است. بدین ترتیب دو ترکیب فضایی مهم دالان

پی‌نوشت

۱. قریه عبارت است از محلی که باغ‌ها، اشجار و خانه‌ها و قلعه‌ها و سکنه مشخص داشته باشد. (ن.ک: Zarrabi, 1999, P. 134).
۲. همان گرگش است.
۳. به نام کمر قبله در میان مردم رایج است.
۴. نویسنده این کتابچه نامشخص است و در این مقاله از نسخه‌ای از آن بهره گرفته شده که در کتاب قم‌نامه به چاپ رسیده است.
۵. میترا: الهه نماد خورشید
۶. در اصطلاح به آن اُشترکِه می‌گویند. اُشترکِه زمین سراسر سنگی بدون خاک و شن و ریزتر از آن است که آب در آن نفوذ نمی‌کند.
۷. یورت در برزک اصطلاحی محلی است و به زمین بایری گویند که در آن کشاورزی نمی‌کنند و برای نگهداری دام و ایجاد حصار مناسب بوده است.
۸. ساخت یک فضای واحد در معبر عمومی برای استفاده یک تا چند خانه مجاور که بیشتر در گذشته رایج بوده است.
۹. در برزک فضا سازی با داربست در ورودی خانه‌ها، در حیاط، ایوان، باغ و باغچه متداول است.

چهار خصوصیت که براساس مطالعه نمونه‌های منتخب در محله مصلی صورت گرفت، به حفاظت از این میراث دیرپا کمک خواهد کرد. هرچند نباید این خصوصیات را به همه محیط‌های مسکونی برزک تعمیم داد. بی‌شک شناخت شباهت‌ها و تفاوت‌های الگوی ساخت خانه‌ها در محله‌های دیگر و به‌طور کلی گونه‌شناسی خانه در برزک موضوع تحقیقی دیگر و نیازمند مطالعه و مستندسازی نمونه‌های بیشتر است.

سپاسگزاری

بدین‌وسیله از اهالی محله مصلی، به‌ویژه کسانی که امکان بازدید و مستندسازی خانه‌هایشان را فراهم کردند، تشکر و قدردانی می‌شود.

منابع مالی

منابع مالی این پژوهش از طریق مشارکت نویسندگان تأمین شده است.

سهم نویسندگان

سهم نویسندگان در انجام پژوهش و نگارش مقاله یکسان است.

تعارض منافع

تعارضی در منافع انتشار این مقاله بین نویسندگان وجود ندارد.

References

- Mashhadi Noushabadi, M. (2012). Ancient Monuments, Inscriptions and Documents in Barzok. *Studies on Kashan*. 8(2): 30-53.
- Modarresi Tabatabaie, H. (1985). *Ghomnāmeḥ: Majmū'e Maghālāt va mutūn Darbāreh-ye Ghom*. Ghom: Ketābkhāneh-ye Umūmi Mar'ashī Najafī.
- Moradi Barzoki, A., & Asali, F. (2008). Azādārī-ye Muharram Dar Barzok-e Kashan (The Mourning of Muharram in Barzok of Kashan). *Farhanatemeh-e Mardom-e Iran*, 14: 119-128.
- Darvishian, E. (2017). *In Conversation with the Authors*. Barzok: Ebrahim Darvishian's House.
- Ghasemi, K. (2019). *In Conversation with the Authors*. Barzok: Ustad Ali Shaykhan's House.
- Jayhani, H., Omranipour, A., Rajabi, F., & Alemi, B. (2019). The Typology of Historic Houses of the Qajar Period in Naraq. *Journal of Housing and Rural Environment (JHRE)*. 38 (167): 115-130.
- Kardan, L. (2019). *In Conversation with the Authors*. Barzok: Leila Kardan's House.



- Soltanzadeh, H., & Ghasemini, M. (2011). Typology Study of the Physical-Functional Structure of Residential Architecture in Golestan Province. *Armanshar*, 4(7): 1-15.
- Taheri Barzoki, M. (2018). *Varzānāmak: Jostārhāy-e Barzokshenāsī* (Varzanamak: Study on Barzok). Kashan: Sūreh-ye Tamāshā.
- Tavakoli, H. (2019). In *Conversation with the Authors*. Barzok: Hossein Tavakoli's House.
- Vezerat-e Keshvar (2009). *Tarh-e Hādī-ye Barzok* (Unpublished Report in Barzok Municipality).
- Yazdanfar, A., Zarrabi al-Hosseini, M., & Naserdoust, Z. (2016). *Ulgūy-e Maskan-e Urumiyeh, Bā Tavajoh Be Shīveh-ye Zendegī Dar Gozar-e Zamān* (Housing Pattern in Urumiyeh). Tehran: University of Tehran.
- Zarrabi, A. R. (1999). *Tarikh-e Kashan (Merāt al-Ghāsān)*. Edited by Iraj Afshar. Tehran: Amir Kabir.
- Mosallaie, S. K. (2019). In *Conversation with the Authors*. Barzok: Haj 'Abbas Mohebbi's House.
- Najjari Barzoki, H. (2019). In *Conversation with the Authors*. Barzok: Haj Hassan Najjari's House.
- Rahimzadeh Barzoki, S. (2019). In *Conversation with the Authors*. Barzok: Haj Ali Akbar Rahimzadeh's House.
- Raie, H. (2013). *Abyaneh, Yek Rūstā, Yek Mahalleh, Yek Banā* (Abyaneh: A Village, A Local, A Building). Tehran: Iran Negar.
- Rouhani, F. (2019). In *Conversation with the Authors*. Barzok: Mohammad Rouhani's House.
- Sadeghian Barzoki, A. (2019). In *Conversation with the Authors*. Barzok: Sultanali Rahimzadeh's House.